

رئیس پس بموجب این پیشنهاد باید رأی مخفی بگیریم آقایانی که نمایندگی آقای ملک الشیرازی تصویب میکنند مهر سفید و آقایانی که تصویب نمیکنند مهر سیاه خواهند داد .

(در این موقع سه نفر از نشان استخراج آراء نوده و بقاری که قبلاً مندرج است نتیجه حاصل گردید)

عده رای دهندگان (۶۹) نفر مهر سفید علامت قبول (۴۴) مهر سیاه علامت رد (۲۵) عده .

رئیس از (۶۹) نفر رأی دهندگان به اکثریت (۴۴) رأی تصویب شد رایورث ششمه اولی راجع بانتهاب آقای حاج اعتبار السلطنه قرائت میشود .

(رایورث مزبور بمضمون قرائت شد)

شبه اولی در جلسات عیدیه بانتهاب نامه آقای حاج اعتبار السلطنه نماینده بمهر رسیدگی نمود انتخاب بم صورت مجلس نداشته و در این باب مکرراً وزارت داخله درخواست شد که صورت مجلس انتخابات بم را بخواهند و بلاخره اخیراً تکراری از انجمن نظارت مرکزی کرمان رسیده در این تکرار رؤس مسائل راجع بانتهاب بم تصریح میشود و چون شبهه از زمین صورت مجلس مایوس بود به تکرار انجمن نظارت انتخابات ضررمان قناعت نمود مطابق تسلط تکرار مریور در اساس انتخابات بم مخالفین بانقانون انتخابات دیده نمیشود خلاصه وقایع انتخابات بم از این قرار است دفعه اولی که در بم انتخابات بعمل آمده است اکثریت بآقای ناظم التجار بوده است ولی کویا بواسطه پارهای شکایات واسطه ایالت کرمان حکم تجدید انتخابات بم مینماید و برای صحت جریان انتخابات بم مأمور مخصوصی نیز از کرمان فرستاده میشود در دفعه ثانیه هم اعتراض بانظمتجارتعلق میکند ولی چون انجمن نظارت هم مشارالیه را دارای تمام صفات و شرایط معینه برای منتخبین نداشته است لهذا مشارالیه را رد و اعتبار نامه باقاری حاج اعتبار السلطنه که در از ناظم التجار واجد اکثریت بوده است داده است مخالفین انتخاب آقای حاج اعتبار السلطنه شکایات مضمونی نظرد تصدیق نمایندگی آقای ناظم التجار را درخواست کرده اند عده دیگری اظهار موافقت با آقای حاج اعتبار السلطنه نمودند برای کشف حقیقت شبهه لازم دانست که از طرف وزارت داخله بعضی تحقیقات معنی بعمل آید نتیجه تحقیقات این شد که انجمن نظارت کرمان صحت انتخاب آقای ناظم التجار را تصدیق و بر عکس انجمن نظارت بم معروض مشارالیه را تکرار و تاکید نموده است نظر باینکه مطابق قانون انتخابات مسؤول صحت انتخابات حکومت محل و انجمن نظارت محل است نتیجه رأی شبهه اولی این شد که بر حسب تصدیق حکومت و انجمن نظارت انتخابات نمایندگی آقای حاج اعتبار السلطنه مسکوم بصحت است .

رئیس آقای ناصر الاسلام پیشنهاد کرده اند اخذ رأی در این باب موکول بجلسه دیگر شود آقایانی که پیشنهاد ایشانرا تصویب میکنند قیام نمایند .

(عده کثیری قیام نمودند)

رئیس - پس میماند برای جلسه دیگر رایورث راجع بانتهاب نامه آقای میرزا عیسی خان فرانت می شود

حاج عز الممالک - رایورث ششمه چهارم راجع بانتهاب نامه آقای میرزا عیسی خان را در جلسه قبل خواندم طبع و توزیع هم شده است و آقایان مسیوق هستند ولی بمناسبت این که یکی دوتفر از نمایندگان نظریاتی داشتند و میخواهند بدو سه آن مراجعه کنند و اخیراً بعضی مراسلات هم رسیده بود بنده که مخیر ششمه هستم تصور میکنم بهتر این است یک جلسه دیگر هم شبهه منتهه و مجدداً باین اعتبار نامه رسیدگی شود این است بنده تقاضا میکنم که این رایورث ششمه عودت داده شود تا شبهه نظریات خود را تمام نموده بجلسه تقدیم نماید .

رئیس - آقایانیکه تصویب میکنند بمانند برای جلسه دیگر قیام نمایند .

(عده کثیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد رایورث راجع بانتهاب نامه مدحت السلطنه قرائت میشود .

(بمضمون قرائت شد)

روز شنبه دوم جمادی الثانی ساعت قبل از غروب ششمه پنجم در تحت ریاست آقای آقا شیخ بهین نماینده مجتهد کرمان معتمد و بعد از دو جلسه که در باب نمایندگی آقای میرزا عبدالله خان مدحت السلطنه مذاکره بود مجدداً مطرح گردید در جلسه قبل که بانتهاب نامه آقای مدحت سلطنه رسیده بود هر چند رقمه از عمو هشت نظر عباسی خطاب بخود آقای مدحت السلطنه بود که در آن موقع در بندر (لنگه) بودند و خواهش کرده بودند که ایشان قبول نمایندگی را بکنند تا یکدرجه صحت انتخاب ایشان را بمیرورثید ولی چون صورت مجلس میرا نبود این بود که از وزارت جنبه داخله مطابق قانون درخواست شد که صورت مجلس انتخابات بندر عباس را بهر وسیله هست بخواهند در چهارم محل تکراری بنوسط آقای مدحت السلطنه از حکومت بندر بوزارت داخله رسیده بود که ترتیب توضیح اوراق تفرقه در عباسی و میناب و فرک و طاروم و فرستادن نمایندگی برای انجمن نظارت و عده اوران را اظهار کرده بود و قید کرده بود که از سوز انتخابات هیچ شکایتی هم نرسیده است ولی چون تکرار مزبور حاوی منت اعلان و زمان دادن تفرقه و ایام قبول آن و روزهای استخراج بود شبهه لازم دیدم که مجدداً از وزارت داخله این مسئله را استفسار کند این بود که تکرار حکومت بندر مورخه ۲۵ محل خطاب بمقام منبع وزارت داخله واصل و سؤالات دوازده گانه را که بمضای انجمن نظارت گرفته بودند مفصل و مشروح تکراراً اظهار کرده بود با دقت در موارد دوازده گانه این تکرار بر حاضرین شبهه پنجم معنی شد که انتخاب آقای مدحت السلطنه از روی صحت و درستی و بیل عموم و موافق قانون انتخابات بوده است و ظاهر آنچگونه ایرادی ندارد و هیچ شکایتی هم نرسیده بود فقط عریضه از شیراز بدون امضاء رسیده و از انتخاب ایشان شکایت کرده بود که سن ایشان مقتضی نبوده و سواد فارسی کامل ندارد با اینکه شکایت از

انتخاب هر معنی فقط لسانی میتوانند بکنند که در آن محل حق انتخاب داشته اند و این عریضه از شیراز بدون امضاء و مجهول بود منبذ با اطلاع ششمه در این باب رسیدگی کامل کرده معنی شد که هیچ کدام از این ایرادها برایشان وارد نیست بنابراین شبهه پنجم با اکثریت ۸ رأی از ۹ رأی حاضرین انتخاب آقای مدحت السلطنه را که با اکثریت ۵۱۸ رأی از جمله ۶۰ رأی انتخاب کنندگان انتخاب شده بود تصدیق مینماید

رئیس - راجع بانتهاب بندر عباس مخالفی هست یا نیست ؟ (مخالفی نشد) مخالفی نیست رأی میگیریم آقایانی که نمایندگی ایشانرا تصدیق می کنند قیام نمایند

(عده کثیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد دیگر چیزی در دستور نیست جلسه آتیه روز سه شنبه ۳ ساعت بقرب مانده و دستور قانون تشکیلات مالبه است قبل از اینکه آقایان تشریف ببرند بکنفر بصورت کمیسیون فواین مالبه بجای آقای آقا شیخ بهین که استعفا داده اند معین نمایند

(مجلس نیم ساعت قبل از غروب ختم شد)

جلسه ۲۵
صورت مشروح مجلس روز پنجشنبه ۷ شهر جمادی الثانیه ۱۳۲۳
مجلس تقریباً دو ساعت و نیم قبل از غروب در تحت ریاست آقای مؤتمن الملک تشکیل و صورت جلسه قبل قرائت شد

غائبین بدون اجازه - آقایان حاج امام جمعه حاج شیخ اسمعیل - آقای حاج میرزا شمس الدین

رئیس - در صورت مجلس مخالفی هست یا نیست ؟ (مخالفی نشد) ملاحظاتی نیست صورت مجلس تصویب شد قبل از آنکه داخل بشوم در موارد راجع بقانون تشکیلات مالبه دوفقره اعتبارنامه است که دو جلسه گذشته رأی داده شد امروز منکره شود بیکور راجع باقاری حاج اعتبار السلطنه و دیگری راجع باقاری میرزا عیسی خان - آقای سردار معظم رایورث را قرائت مفرمانماید ؟

سردار معظم - در جلسه قبل خوانده شد

رئیس - آقای مؤتمن الاسلام مخالفید ؟

عزید الاسلام - بلی مخالف

رئیس - پس میماند برای جلسه دیگر

سلیمان میرزا - گمان میکنم دیروز پیشنهاد شد که رایورث آقای میرزا عیسی خان برگردد بشبهه و در مجلس هم همین طور رأی داده شد که در جلسه امروز جزه دستور باشد و ششمه هنوز منمقد نشده است

رئیس - پس خوبست شبهه زودتر منمقد شود و برای جلسه دیگر رایورث خود را حاضر کند و بمجلس بماند

حالا شروع میکنم بنماد که قانون تشکیلات مالبه مذاکره در کلیات است آقای مدرس در کلیات مخالف هستید ؟

مدرس - بلی

رئیس - بفرمائید

مدرس - در دوره سابقه یک قانونی از مجلس

گذشت اسمش قانون (۲۳) جزوا بود و بدینسانه از روزیکه از مدار متولد شد اسباب زحمت شد و زحمتیکه در این دو سه سال بواسطه این قانون وارد شد چیزی نیست که محتاج بدگر و توضیح و بیان باشد و بعد از تامل معلوم شد منشاء این زحمت این بود که سه کار در یک مورد جمع شد که اولاً اگر آن سه کار بدست یک نفر الصغیرین اشخاص هم باشد این زحمت تولید میشود

یکی تشخص آنچه باید از مردم بگیرد یکی دیگر وصول از همان مردم و دیگری خرج کردن همان چیزیکه از مردم گرفته میشود و اختیار این سه مطلب بدست یک نفر بود و بقیه بنده رفع آن اشکالات همان قسمی که بروگرام هشت دواتی اشاره شده بود و نظر مردم همیشه دوات و مجلس هم بآن است اینطور خواهد شد که این سه کار از یکدیگر تفکیک شود تا رفع این زحمت بشود یعنی تشخص دهنده غیر از وصول کننده باشد وصول کننده هم غیر از خرج کننده باشد و شاید آن همیها که دیده شده اند ها دیده نشود و زحمتیکه بر مردم وارد آمد و چقدر از اینها خالصه شد و چقدر خالصه اربانی شده است بذكر نیست و صدقاتیکه از این ترتیب وارد شده گمانم این است که بر افراد این مملکت واضح باشد در ولایات ما و شاید در ولایات دیگر هم همینطور باشد یک عادت عامیانه زمانه در میان مردم است که بعضی از اشخاص اولادی پیدا میکنند چند سال که میگذرد یا مریض میشود یا زخمی پیدا میکند آنوقت آن مردم جمع میشوند میگویند خوبست که اسم این طفل را تغییر بدیم و دوتفر منجم هم زایچه میکنند و می گویند باید این اسم تغییر داده شود و حالا این قانون هم تغییر اسم قانون ۲۳ جزوا داده اند هر شیکه میبکند بمالنه نیست و باید بلند گفت که تمام اهالی این مملکت بفهمند که و گلاخان این مسئله را منتهی شدند که در قانون تقاضای پیدا نشود آن نیست که در وصول مالیات (دایره یا اداره هر چه هست) بنده که اهل خیره نیست ولی این چیزها را می فهمم که وصول از این ادارات باید مجزا شود و وصول کننده مأمورش باید علیحده باشد اگر و آنجا مجزا است خوبست آقای مخیر بفرمائید تا شخص بنده هم بفهم بنده هم که اهل خیره نیستم بفهم ضرر ندارد مثلا خالصات و مسکوکات جزه اداره تشخص نوشته اند اما باقیش جزه کدام اداره است معلوم نیست اگر جزه اداره خزانه داری است الاشکال الاشکال و اگر مجزا است بفرمائید آن اداره که مالیات را از محل وصول میکند آن کدام اداره است بگویند که بنده هم بفهمم و بدانم آن اشکالاتیکه در قانون ۲۳ جزوا بود در این تشکیلات رفع میشود این اجمال هرایش بنده است تفصیل را در مواد به خصوص عرض خواهم کرد .

عبدالحجین خان سردار معظم (مخیر کمسیون) آقای مدرس سه اصل را منمقد شدند و فرمودند باید تشخص وصول و خرج از هم تجزیه شود تا آنکه برای مالبه بتوان گفت یک اصول صحیحی اتخاذ شده است و البته خیلی خیلی خوب بود اگر میتوانستیم این سه عمل را کاملاً از هم تفکیک و مجزا بکنیم وقتیکه داخل در عدلیات بشوم قطع نظر از اینکه تشکیل سه اداره تولید

یک مخارج زیادی خواهد کرد و باعث مخارج کزافی خواهد بود و خزانه دولت نمیتواند او را تحمل کند در جریان عمل هم تولید اشکال خواهد کرد حالا در چه موقع جمع شدن تشخص وصول و خرج در یکجا اسباب اشکال میشود ؟

البته در آنوقتیکه تشخص دهنده و وصول کننده و خرج کننده مقید به هیچ قیدی نباشند ولی وقتیکه مأمورین این سه کار را مقید بقیه می گردیم که نتوانند از آن تجاوز کنند یقین است قسمت اعظم آن اشکالاتی را که فرمودید مرتفع خواهد شد علی الخصوص که این لایحه راجع است به تشکیلات مرکز و لایحه راجع به تشکیلات ولایات هنوز بمجلس نیامده است و نظر دوات حقیقتاً در آن باب معین نشده است ملاحظه مفرمائید در این لایحه تشخص عایدات را مجزا نموده اند و بآن نظر که آقا فرمودند بواسطه تشخص عایدات مقصود حاصل شده است یعنی یک اداره کلبه جزه جمعها را تهیه میکنند و مبدعه بیک اشخاص و یک اداره دیگر که مکلف بوصول و تأدیبه مخارج است و در وصول خودسر نیست و مقید است بعمل کردن دستور اداره تشخص آنهایی که کار کار بود ممکن است تصور بشود از خود سری وصول کننده بوده و اشکالاتیکه راجع بخرج بود در باب خود عدلیات خرج نبود بلکه راجع باختیار صدور حواله بود وقتیکه خود خرج کننده اختیار حواله آن خرج را داشته باشد البته ممکن است تولید اشکال بشود ولی آن اشکالات فرضیه آقا مرتفع میشود

بنا بر این برای اینکه هم آن مقصود اساسی حاصل بشود هم بواسطه تمدد ادارات و زیادتی خرج تولید نباشد و بامر وزیر مالبه باشد وظایف آنها هم معلوم است یک صورت جزه جمع اداره تشخص بآن ها میدهد و آنچه وصول کرده اداره خزانه میریزد و باین نظر گمان نمیکنم بر مخارج افزوده شود یک نظر دیگری هم بنده دارم که در ضمن مقدماتی که وزیر مالبه در مقدمه لایحه خود می نویسد این تشکیلات لایحه الاقضاء در ولایات تأسیس میشود کمیسیون هیچ معترض نشده و بقیه بنده تشکیلات ولایات معلوم نشود تشکیلات مرکز هیچ فایده ندارد زیرا که تمام زحمت و اشکالات راجع بولایات است تا تکلیف ولایات معلوم نباشد تشکیلات مرکزی فایده ندارد و باید به بنیم ترتیب ولایات چه میشود زیرا عده مالیات راجع بولایات است و اگر هم ماندهای اطراف شهر راجع بکنند آن هم تشکیلات مرکزی را شامل نمیشود و در جزه تشکیلات ولایات باید نوشته شود و تا وقتی که تشکیلات ولایات و نظریاتیکه در باب ولایات هست منضم باین قانون نشود نوشتن این قانون تصور می کند بی فایده باشد و بنیدانم وزیر در این باب چه نظری دارند و بهر نظری دارند باید باین لایحه ضمیمه شود هرایش دیگر هم راجع بمواد نامشاهانه در ضمن قرائت مواد عرض خواهم کرد .

رئیس - برای اطلاع آقایان عرض می کنم موادی که راجع بولایات است رسیده و به کمیسیون فرستاده شد و تا دو سه روز دیگر حاضر میشود و رایورث آن بمجلس خواهد آمد .

ولایات نوشته شد تکلیف این مطالب در ضمن تشکیلات ولایات معین میشود غیر باید در ضمن همین لایحه این مطلب قطع شود که وصول از وظایف کدام یک از ادارات است و اینکه مخیر میفرمائید اگر هر آینه یک اداره دیگری که اداره وصول باشد بر این ادارات اضافه کنیم یک خرجی علاوه خواهد شد نظر بنده این نیست که یک همچو اداره تشکیل شود ممکن است مأمور وصول را از تحت اراده و اختیار این اداره خارج کرد و در تحت نظر مستقیم خود وزیر قرارداد چه طور ملامت ممکن است مأمور ولایات به تمیین و تصدیق شخص وزیر باشد و لازمه نیست غیر از این اداراتی که در اینجا نوشته شده است اداره تأسیس شود و خود وزیر اشخاص را برای وصول معین میکند آنوقت آن شخص که برای ولایات از طرف وزیر معین شد در صورت جزه جمع از اداره تشخص عایدات باو داده میشود که مطابق این صورت از فلان محل مالیات دریافت شود آنوقت مطابق آن دستوری که باو داده شده آن مأمور از محل وصول میکند و بجزانه داری میرساند و یک صورتی هم از آن از طرف اداره تشخص عایدات بجزانه داده میشود که این صورت با مأمور داده شده و مطابق این صورت باید از مأمورین مالیات دریافت کنند آنوقت در آخر هر برج مأمور مالبه یک صورتی بنوسط خزانه داری وصولی خودش را برای اداره محاسبات مفرستد اگر هر آینه باقی داشته باشد آن وقت رسیدگی بحساب میکنند اگر باقی ندارد حساب او را خاتمه داده و یک نوشته مفصالی باو میدهند دیگر یک اداره فون العامه لازم نیست اضافه شود که بواسطه این اداره بر مخارج افزوده شود فقط نکته این است که مأمورین مالبه که بولایات میروند از طرف خزانه دار نباشند و بامر وزیر مالبه باشد وظایف آنها هم معلوم است یک صورت جزه جمع اداره تشخص بآن ها میدهد و آنچه وصول کرده اداره خزانه میریزد و باین نظر گمان نمیکنم بر مخارج افزوده شود یک نظر دیگری هم بنده دارم که در ضمن مقدماتی که وزیر مالبه در مقدمه لایحه خود می نویسد این تشکیلات لایحه الاقضاء در ولایات تأسیس میشود کمیسیون هیچ معترض نشده و بقیه بنده تشکیلات ولایات معلوم نشود تشکیلات مرکز هیچ فایده ندارد زیرا که تمام زحمت و اشکالات راجع بولایات است تا تکلیف ولایات معلوم نباشد تشکیلات مرکزی فایده ندارد و باید به بنیم ترتیب ولایات چه میشود زیرا عده مالیات راجع بولایات است و اگر هم ماندهای اطراف شهر راجع بکنند آن هم تشکیلات مرکزی را شامل نمیشود و در جزه تشکیلات ولایات باید نوشته شود و تا وقتی که تشکیلات ولایات و نظریاتیکه در باب ولایات هست منضم باین قانون نشود نوشتن این قانون تصور می کند بی فایده باشد و بنیدانم وزیر در این باب چه نظری دارند و بهر نظری دارند باید باین لایحه ضمیمه شود هرایش دیگر هم راجع بمواد نامشاهانه در ضمن قرائت مواد عرض خواهم کرد .

رئیس - برای اطلاع آقایان عرض می کنم موادی که راجع بولایات است رسیده و به کمیسیون فرستاده شد و تا دو سه روز دیگر حاضر میشود و رایورث آن بمجلس خواهد آمد .

حاج عز الممالک - آقای حاج شیخ اسدالله در هر دو قسمت اظهارات خودشان بمقتضای بنده داخل تشکیلات ولایات شدند و تقریباً بشود گفت توجهی بشکلیات مرکزی نرموده اند بجهت اینکه اساس نظریات ایشان به تفکیک قرار بوده و بمقتضای بنده در تشکیلات مرکزی رعایت این مسئله شده است زیرا اگر ما امروز تمام این اختیارات را در یک اداره جمع میکردیم مثل سابق بود فرق با قدیم نداشت و این لایحه بکلی قوا را از هم تفکیک میکند و اصول تشکیلات مالمه را معین میکند و بموجب موادی که طبع و توزیع شده است و آقایان مریوق هستند و لازمه نیست بنده توضیح بدهم تکلیف هر یک از این ادوات را معین میکند مثلا اداره تشخیص جزء جمع را معین میکند و بأمورین مالمه اطلاع میدهد بلکه دو مواقع خودش بنظر عموم هم میرساند که مالمیات اداره تشخیص اطلاع بدهد مالمیات دهنه کان میدانند که بدی آنها در مقابل دولت چیست و مأمورین مالمه خواهند فهمید که از روی چه قرار باید مالمیات را دریافت کنند این نیست مگر بواسطه تفکیک قوا و هم بطوریکه آقای سردار معظم فرمودند قسمت عده مصالیح که تا بحال اسباب تواریخ زحمت شده بود نسبت به پرداخت مخارج بود حالا صدور حواله را یکی از مختصات وزیر تصور کرده ایم و علاوه یک کمیسیون هم قائل شده ایم که کوالجبات را با بودجه و ممالاتی که معمول است مصابف کند و تا ویر و کمیسیون اما نکته بی یولی پرداخته نخواهد شد و برای محاسبه هم بیک اداره محاسبات کفایت قائل شدیم که مالمیات را در آخر هر برج کشف هستند محاسبات خود را بان اداره بدهند و آن اداره محاسبات آنها را بکند و معلوم باشد که جمع و خرج مملکت در چه حال است و از یکطرف برای رفع شکایات مردم قائل بیک محاکمه هم شدیم که اگر از طرف تشخیص مالمیات شکایاتی داشته باشند در آن مجلس محاکمه شود و رفع تضامات مردم هم بشود و بمقتضای بنده تفکیک این ادارات و وظائفی که در این لایحه برای آنها تصریح شده است خیلی خوب موفق می شویم باین که نسبت بشخص و وصول و پرداخت حوالجات و محاسبات هیچ اشکالی پیش نیاید اما همانطور که در ابتدای عرض خود اظهار کردم هر دو قسمت فرمایشات آقای حاج شیخ اسدالله راجع به ولایات بود که مأمور وصول کی خواهد بود و از طرف کی معین خواهد شد و چه خواهد شد و بالاخره بعد از اظهارات معین خودشان قائل شدند که اگر بکنفر مأمور از طرف وزیر مالمه بولایات برود و رفع اشکالات خواهد شد در این لایحه هیچ گفته نشده است که مأمور وصول مالمیات یعنی بیشکاز مالمه یا معین مالمه از طرف کی فرستاده خواهد شد حالا در نظر اداره تشخیص بنگاریم یا اداره خزانه داری یا محاسبات در هر صورت وظایف او باید طوری باشد که محدود باشد چه از حیث پرداخت و چه از حیث وصول نتواند از حدود خود تجاوز کند پس این تشکیلاتی که در مرکز داده شده و تفکیک فوایدی را که مسأله است و ممالی در موضوع همین تشکیلات مرکزی مذاکره میکنیم بمقتضای بنده اصلاحات ولی

در آن قسمتی که مأمورین از طرف کی معین خواهند شد ممکن است نظریات مختلف باشد و یکی از نمایندگان قائل باشد که باید در ولایات اداره تشخیص علیحده باشد اداره وصول علیحده باشد پرداخت علیحده باشد محاسبه هم علیحده باشد و در هر جا تمام این اداراتی را که در مرکز تشکیل کرده ایم در ولایات هم تشکیل نمانیم و ممکن است بکنفر بیشکاز مالمه که بولایات میرود در تحت نظر ادارات مختلف تشکیل شود و روابط او بانام این ادارات محفوظ باشد یعنی از حیث تشخیص با اداره تشخیص از حیث محاسبات با اداره محاسبات از حیث پرداخت با اداره خزانه داری و همین طور نسبت بنام این امور در مقابل وزیر مالمه مسئول باشد بکنفر دیگر این است که بکنفر مالمیات را وصول کند یکی دیگر تأدیبه بکند و اینها نظریاتی است که بعد گفته خواهد شد و جایش اینجا نیست که ما بگوئیم آیا مأمورین مالمه در هر نقطه بکنفر باید باشند و یا چنانچه در تحت نظر کدام اداره فرستاده شود بمقتضای بنده حالا جای این مذاکرات نیست تا امروز میگوئیم اقتدارات وزارت مالمه که در یکجا جمع شده بود باید تفکیک شود قسمت قسمتی شود اداره محاسبه که بیچوقت مالمیات وصول نمیکند که ما بگوئیم اداره تشخیص وصول میکند همیشه آن مأمورین بولایات میرود مالمیات را وصول میکند فرستادن او از طرف کی یا از طرف کدام اداره باشد هم بوط بایشان نیست و بیچوقت خزانه داری وصول نمیکند اداره تشخیص وصول نمیکند اداره محاسبات وصول نمیکند اینها اداراتی است که در مرکز تشکیل میشود ولی نسبت وصول عایدات ممکن است عقاید مختلف باشد بعضی بگویند بایستی در هر ولایات بکنفر مأمور مستقل داشته باشیم و یک بیشکاز مالمه که بولایات رفت در تحت ریاست عالی وزیر مالمه روابط خودش را با تمام این ادارات محفوظ نگاه ندارد یعنی مالمیات را وصول بکند مطابق دستور العمل اداره تشخیص و نتواند یک دینار مالمیات بگیرد دیگر مطابق آن صورت جزء و جمعی که بوداده شده است و هیچ حواله را نتواند بپردازد مگر اینکه آن حواله بموجب قانون بمصالحی وزیر مالمه و همچنین بصوب کمیسیون تطبیق حوالجات رسیده باشد و محاسبات خودش را مرتباً با اداره محاسبات بفرستد و همچنین اگر تعدیاتی بمرکز کرد در اداره محاسبات معاکمه خواهد بود با این ترتیبی که ملاحظه فرمودید حالا که ما صحبت میکنیم باید بگوئیم آیا این تشکیلاتی را که ما برای ادارات مرکزی قائل شده ایم کافی خواهد بود و یا این که باز هم ممکن است تجزیه شود یک قسمتی دیگر اضافه شود و هیئت وزراء و کمیسیون مالمه چنین تصور کردند که این تشکیلات از برای وزارت مالمه کافی هست و اداره دیگری لازم نخواهد بود و همانطور که آقای رئیس فرمودند لایحه تشکیلات ولایات هم بمجلس آمده است و هنوز هم ما مشغول شور اول هستیم تا شور اول تمام نکرده ممکن است آن لایحه هم بمجلس بیاید آنوقت اگر دیدند که مسئله وصول و پرداخت بانظر ایشان نوشته شده آقامیکنیم مخالفت کنند ولی امروز این تشکیلاتی که ما برای مرکز قائل شده ایم کامل است ممکن نیست مخالفت کرد

مدرس - فرمایشاتی که آقای مخبر فرمودند در حقیقت یک قسمتی از عرض بنده را تصدیق کردند که این اشکالات که بردوات وارد بود یعنی آن قسمت از اشکالات که از قانون (۲۳) جزوا وارد بود که حواله و تشخیص و جمع و خرج در یکجا جمع بود و باینکه تشخیص و تقنین حواله جات داده شود این اشکالات رفع میشود و لکن یک اشکال بود متوجه بود یعنی بر اشخاصی که مالمیات بنده بودند و عرض بنده اینست که آن اشکال به این تشکیلات رفع نشده است و آقای مخبر گانه تصدیق فرمودند ولی گفته شد خرج زیاد میشود اولاً مسئله که اشاره فرمودند گمانم این است که خلاف تربیت عقلانی است تربیت عقلانی این است که اداره جمع و خرج دوتا باشد و این چیز تازه نیست که تازه ما احداث میکنیم اینها همه تقلیدی است هر کس دو تاده هم داشته باشد رئیس جمعی باریس خرج جدا است و در این قانون رئیس جمع باریس خرج یکی است اینکه آقای مخبر فرمودند اگر دولت بخواهد در تشکیلات یک اداره زیاد کند و اسمش را بگذارد اداره جمع یا اداره کل عایدات و از اداره خزانه داری که تجویله را است مچری کند یک خرجی بردوات تحویل میکند بنده گمانم این است هیچ خرجی اضافه نشود جز یک رئیس یا معاون مثل باقی ادارات باید اضافه شود و الا مأمورین سایر ولایات همین مأمورین حالیه هستند و باید در تحت نظر بکنفر باشند فقط در مرکز یک اداره اضافه میشود که مأمورین جزء در تحت آن اداره هستند و در این صورت اداره جمع از اداره خرج مجزی شده پس خوبست توضیح بفرمائید که به بینم که آیا خرج فوق العاده میشود بی اگر خرج فوق العاده میشود دولت نمیتواند تحمل شود لیکن اگر خرج فوق العاده نمیشود قطع تجزیه زیاد تر است از یک ضرر جزئی

رئیس - البته مقصودتان از تربیت عقلانی تربیت علمی بود

مدرس - بلی تربیت عقلانی همان تربیت علمی است

سردار معظم مخبر - بنده مقدمتا باید عرض کنم اشکالات آقای مدرس را بنده تصدیق نکردم و عرض نکردم که فقط یکانه جتی که هست این است که خرج زیاد میشود و عرض نکردم اشکالاتی تولید میشود و علاوه بر این اشکالات یک خرج بی جتی هم بر دولت تحویل می شود و تصور میکردم یا مطالبه این لایحه محتاج بشرح و بسط و طایف اداره نخواهیم بود ما ستافانه می بینیم که مجبور به تکرار هم لایحه که در خدمت نمایندگان معترض هست چون راجع بولایات نیست بهیچوجه معترض بوصول نشده که وصول در تحت نظر کی باشد و مأمورین وصول از طرف کی معین شوند و ترتیب آن چه باشد ابتدا این قبیل چیزها را در این لایحه معترض نشده است و مسائل راجع بوصول در مواردی که راجع بولایات خواهد بود و تعیین خواهد شد آنوقت هر کس هر نظری دارد باید اظهار بکند این تشکیلات راجع بر کن است و وصول بتوسط هر کس بشود چه بتوسط مأمور اداره تشخیص یا بتوسط اداره دیگری که بنده هنوز نمیدانم در کدام قسمت از تشکیلات وزارت مالمه

خواهد بود در هر صورت آنچنانکه بولها بایست جمع شود خزانه است پس آن قسمتی که در تشکیلات مرکزی منظور شده و وظایفی که در مرکز برای خزانه معین شده است جمع آوری نمایندگان دولتی است اهم از اینکه بتوسط مأمورین خودش وصول بشود یا بتوسط مأمورین اداره دیگری باز تکرار میکنم که در باب وصول و در باب مأمورین ولایات چنانکه در مقدمه این لایحه ملاحظه میفرمائید دولت خودش هنوز تصبیبی نکرده و باین ملاحظه بود که در مقدمه این لایحه که پیشنهاد کرده است تشکیلات ولایات را متذکر شده و تازه امروز قانون تشکیلات ولایات به کمیسیون آمده است و هنوز نظر کمیسیون در باب تشکیلات ولایات معلوم نیست پس باین جهت بنده هیچ وارد تشکیلات ولایات نخواهم شد که آیا مأمورین وصول در ولایات از طرف خزانه داری خواهند بود یا از طرف وزیر مالمه یا اداره دیگر و طایف آنها چه خواهد بود پس از آنکه نظر کمیسیون معلوم شد آنوقت بنده هم از نظر کمیسیون دفاع خواهم کرد و اگر اصول تشکیلات مالمه را در نظر بگیریم خواهیم دید که باید وزارت مالمه بجدت قسمت منقسم شود یکی حواله یکی تشخیص - یکی وصول - یکی محاکمه - یکی خرج و اگر تمام این مسائل را در یکجا جمع کنیم البته مثل سابق تولید اشکال خواهد شد ولی اگر هر یک را بچند تایی از این ادارات را از یکدیگر جدا کنیم برای هر یک ادارات مستقلی معین نمانیم و تمام آن ادارات را در تحت مسئولیت و ریاست مستقیم وزارت مالمه قرار بدهیم آنوقت اگر باز بگوئیم وقایع و شکایات گذشته تکرار خواهد شد تصور نمیکند صحیح باشد بلی اگر حواله و تشخیص وصول - خرج - محاکمه - معاکمه در یکجا جمع بود آن اشکالات را داشت اما اگر دقت بفرمائید ملاحظه خواهید فرمود در این تشکیلات تشخیص شده است بوزیر مالمه تشخیص عایدات رجوع شده است بیک اداره مستقل دیگر یعنی خزانه گرفته شده است و محاسبه هم از خزانه گرفته شده است و وظیفه او را برای اداره محاسبات قائل شده اند و بالاخره برای اینکه دفع قسمت اعظم شکایات مردم بشود یعنی همان شکایاتی که بواسطه نداشتن اداره مخصوص بود قائل بدو معاکمه شده اند یکی معاکمه حقوقی یعنی آن قسمتی از شکایات که راجع است بامور حقوقی و دیگری معاکمات جزائی که آنمجلس مشاوره عالی باشد و فقط چیزی که مانده است وصول و تأدیبه خرج است که داده شده است بیک اداره باز هم تکرار میکنم که ممکن است در ضمن تشکیلات مالمه ولایات جمع آوری و وصول هم بیک اداره مرکزی واگذار شود یا اینکه واگذار نشود و اداره جداگانه داشته باشد در صورتیکه تمام این اختیارات از یک اداره گرفته ایم و تمام اختیارات او را بدو مسئله که عبارت از جمع آوری و خرج باشد نموده ایم و جمع و خرج را هم مفید بحدود معینی کرده ایم بنده مطمئنم میهم که شکایات گذشته تکرار نخواهد شد

سلطان العلماء - بنده یک نحو اظهار مخالفت میکنم و یک نحو از عقیده کمیسیون استیضاح

می نمایم و نظریات خود را در این ورقه نوشته ام برض آقایان میرسانم و ابتدا عرض میکنم قانون گذار که میخواهد قانونی بگذارند باید قانونی که وضع میکنند یک قانون معینی باشد و الا اگر قانون مجمل شد و محدود نشد همان عیوب و محظورات اولیه پیدا میشود که از قانون ۲۳ جزوا پیدا شد بدیهی است که قسمت عده تشکیلات ادارات مرکزی منتهی بر اساسی است که در تشکیلات ولایات ممرکز ایالات وضع شده مجوز دوران منتهی بر مرکز کل خواهد بود پس بایستی در مراکز بجز بقدر کفایت مرجوعات در مراکز موز بود اداراتی پیش بینی شود مثلا امور مالمه که از مملکت شرابان بر مرکز راجع میشود چه از حیث جمع و عایداتی و چه از قبیل مخارج اداری و اعتباری و حواله کرد خزانه کل و غیره که پیشکاز مالمه خراسان تصدی اخذ و ایصال آست با طریق مأمورین آنجا و کمیسیون تأسیس آنجا معلوم شود که آیا مأمورین در آن نقطه بجهت نحو عملیات مالمه آنجا را اداره میکنند آیا مسئولیت داد و ستد کلیه عایدات بر عهده رئیس کل است که از طرف خزانه مأمور شود و مشارالیه حساب خود را در مرکز کل بفرستد و بفرستد با از طرف محاسبات کل هم هیئتی به خراسان مأمور خواهد شد

و نائبا - در ولایات جزء و بلوکات آنجا هم باید همین دودسته مأمور که اداره محاسبات و اداره خزانه باشد اعزام شوند یا بیک دسته از آنها که مأمورین خزانه باشد آنها احتکاف خواهد شد بر تقدیر اینکه در دست باشند تولید مخارج گزافی برای دولت خواهند نمود علاوه بر آنکه خدای نخواهد معاملات از خدمت این دودسته مالمه دولته عده تعادل بماند و اگر فقط مأمورین مالمه جز منحصرا بأمورین خزانه است نفس عرض خواهد شد زیرا که در اینصورت تشخیص حساب برای اداره محاسبات مأمور خراسان منوط بقلمداد مأمورین جزء خزانه آنجا خواهد بود ولی التعمیر این ارتباط آنها با مرکز کل منوط بر تعیین دوا بر مأمورین آنجا خواهد بود که تا میزان اعمال و ترتیب مأمورین خراسان با سایر ایالات و ولایات مربوطه معلوم نشود اساس مرکز بمقتضای اینجانب ممکن نیست از روی بصیرت داده شود اداره تشخیص عایدات را در صورتیکه یک اداره کل محاسبات از روی صحت دائر شود مادامیکه اداره میزری برقرار و تشکیل نشده است تا بیک اندازه نمیتوان غلی از اصلت شمرد زیرا که این اداره فقط شغلی را که میتوان باالاصه متکفل شود همان نگاهداری جزء جمعی قدیمی است و چنانچه میزری پیش نیاید چندان فعل و انفعالی در این جزو جمعی حاصل نخواهد شد و اگر حاصل شود یا بتوسط مأمورین خزانه یا از طرف محاسبات کل که در ولایات هستند اطلاع و سابقه باین اداره خواهد رسید و خود این اداره راساً دارای شعب و مأمور مخصوص ولایات و ایالات نخواهد بود پس ممکن است اینجا اداره فرض کرد و با مختصر اجرائی تصویب شود بقدمتیکه هر وقت هیئت میزری مأمور ولایات شد در تحت نظارت این اداره بوده و هر قدر بر حوزه میزری افزوده شود اینجا هم قابل توسعه باشد اما اداره کردن خالصت نمیتواند جزء شعب این اداره باشد زیرا که مدیر خالصت

الیه باید طرف حساب و مباشر دولتی باشد و خود یکی از صاحبان جزء این محسوب میشود و اینها نمی توان او را جزء اداره تشخیص عایدات قرارداد بدست اینکه مستأجر و مباشر نباید مشغول جمع و عایداتی خویش باشد و همچنین است ضرابخانه که آنهم یک قسم از مباشرین درت محسوب می شود و بر حسب قواعد عقلیه نباید مباشرت تشخیص دهنده حساب نمود پس بایست این دو اداره هم جزء خزانه کل باشد و اما تشخیص عایداتی این دو اداره با سایر دوا بر بر عهده محاسبات کل است بنابراین دایره تشخیص عایدات با مختصر اجرائی میتواند وظیفه فقره ۱ و ۲ و ۳ و ۴ و ۵ و ۶ و ۷ و ۸ را بر عهده بگیرد

رئیس - گمان میکنم بهتر این باشد که با نطق آقای سلطان العلماء بنده که خاتمه داده شود مذاکرات کافی است بایست رای بگیریم که مذاکره در کلیات کافی است یا نیست آقایانیکه مذاکره را کافی میدانند قیام نمایند

(عده قبلی قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد

مجلس الدوله - اولاً بنده حق میبهم بهر کس که در مورد این لایحه خیلی دقت و احتیاط بکند که این لایحه تشکیلات باین نظر خوبی دقیقی از مجلس بگذرد زیرا که اوضاع گذشته یک تجربیاتی آموخته است که اگر دقت نکنیم شاید دچار اشکالاتی شویم رأی دادیم و چون یک اداره مجمل بود و دیگران از آن استفاده های غیر مشروعی کردند که هیچ منظور و مقصود و کلاً نبود و لیکن خاطر آقایان را که در باب این لایحه مخالفت میکنند متعجب نمیکند که اولاً در اصل تشکیلات مالمه باینچه اشکالاتی داشته باشند و باید در مالمه مملکت تشکیلاتی داده شود و بواسطه اینکه حالت گذشته حالت بی بود که بشود آنرا قبول کرد رفتی که صوماً در لزوم تشکیلات مالمه متفق و متحد شدیم چیزی که بنظر میسر است این است که حالت سابقه و اوضاع پیش تجدید و تکرار نشود و آن اوضاع را درست دقت کنیم به بینم چه بود و ترتیب مأمور مالمه چندی قبل یعنی قبل از (۲۶) حوت که قانون نسخ قانون ۲۳ جزوا از مجلس گذشت وضع این بود که یک شخص واحد به تمسک قانون (۲۳) جزوا و اینکه عرض میکنم تمسک قانون (۲۳) جزوا صحیح است بجهت اینکه قانون (۲۳) جزوا اینقدر بار قدرت نداده بود او از هر کس مالمیات میخواست میگفت اینطور معمول بوده است اگر هم شکایت میکرد که معمول اینطور نبوده است امر جمعی از برای شکایت نداشت پس هر چه را که خودش تشخیص و تعیین میکرد و دلش میخواست همان را میکرد و هر چه میخواست خرج میکرد یعنی تنگی میکرد بیک ماده آن قانون که (صرفه جوئی مالمه درت باشد) و هیچ انتظار نداشت که دولت از برای او خرج معین کند بلکه نظر بان ترتیبی که پیش گرفته و بهمان اقتداریکه در قبضه خودش گرفته بود خرج میکرد چنانکه همه آگاه و مستعصمانند که چه مخارجی شد که دولت و نه ملت خیر داشت پس معلوم شد بواسطه آن قدرتی که در دست گرفته بود میکرد آنچه را که میخواست و مهاد آنچه را که دلش میخواست

و هر کس نظم و شکایت میگرد مرجع نداشت حالا به پیش این قانون تشکیلات چه شکل است این قانون تشکیلات سه اصل کلی را از خزانه داری بکلی جدا کرده است مسلم است هر کس که مأمور مالی باشد وقتی که نوشته و صورت جزء و جمع درست ندارد یعنی آنچه باید بگیرد تشخیص داده نشده باشد هر چه داشت میخواست ببرد زیرا که تشخیص داده نشده است مردم چه قدر مالیات باید بدهند ولی بانکس هر کس هر قدر هم معنی و ظالم باشد اگر نوشته در دست داشته باشد فیراز آنچه که نوشته و تشخیص داده شده نخواهد توانست از مردم بگیرد و مسلماً از این راه نمیتواند تمسک بکند و اگر بخواهد تمسک بکند رسیدگی از آن سهل خواهد بود و بواسطه اینکه در یافتی او را مطابق میکنند با آنچه که در اداره تشخیص برای او معلوم و معین شده است و این اداره تشخیص صورت جزء و جمع و مالیات را یعنی آن عایداتی که در ولایات با اضافاتی که معمول است و مشروع است مربوط است مالیات هائی که سابق بوده است تدوین میکند و به نظر وزیر مالیه میرسد و پس از اینکه با ماضی وزیر مالیه رسیدن آنرا طیم و توزیع میکنند و ولایات میفرستند و تمام مالیات دهندگان درست خواهند داشت این خود باستانی است که درست آنها که مأمور مالی هر کس باشد نمیتواند برخلاف آن کاری بکند زیرا بآن صورت نگاه میکنند بگوید دولت برای من فلان مبلغ مالیات معین کرده است قبض مالیات را ارائه بده هر چه نوشته شده است میبهم پس از این راه از این حیث آسوده میشویم انشاء الله قانون تشکیلات که بگذرد تشخیص صورت جزء جمع داده خواهد شد و چنانچه میشود هر کس اشتباه و اشکالی داشته باشد میتواند توضیح بخواهد و از روی دلیل و مأخذ رفع اشکالات او میشود.

آدمیم بر سر مخارج وقتی که یک کس بگوید هر چه دلم میخواهد مندم البته صحیح نیست ولی حالا وقتی میتوان آن حواله را بدهد که وزیر مالیه کرده باشد و نمیتواند آن حواله را ندهد و یک حواله را ببرد بگری تر جیب بدهد مگر بر طبق قانون محاسبات عمومی در بیست و چهار ساعت فاصله یا دلائل مبرهن جواب بدهد و وزیر مالیه بگوید که نمیتواند هستم و این دلائل احساس کرده ام که این حواله بی ترتیب صادر شده است اگر مجدداً حکم صادر بشود وزیر مالیه در مقابل مجلس و ملت مسئول است چیز دیگری که برای حوالجات هست و در این تشکیلات متعرض شده ایم این است که یک کمیسیون آن حوالجات را تشخیص بدهد و با بودجهها تطبیق بکند در اینجهام در واقع ما از سه روز و شبان محفوظ مانده ایم بواسطه اینکه کمیسیون که این حوالجات را تطبیق میکنند در واقع یک دیوان محاسبات کوچک است که رسیدگی بحوالجات میکند اما مسئله وصول چون هنوز تشکیلات ولایات نیامده است معلوم نیست که چه طور در او نظر خواهند نمود آیا مأمورین آن از طرف کی خواهند بود؟

آیا یک مأمور مخصوص خواهد داشت حالا فرض میکنم خود این شخص یعنی خزانه داری مأمور وصول باشد و وقتی که او نتواند بدهد و

نمی تواند بگیرد مگر آنچه را که با او گفته اند یعنی نتواند پولی بدون حواله بدهد و نتواند با حواله ندهد و وقتی که حواله بدستش رسید مجبور است وجه آن را بدهد بنده تصور میکنم هیچ اشکالی نداشته باشد و چون بپرداز مالیات را از دوی قبضه میکنیم کرده اند وصول میکنند در مقابل هم یک معاکماتی هم گذاشته اند که اگر یک گشاهی از آنچه مشخص کرده اند زیاد تر گرفت معاکماتی خواهد بود بنده بی اطلاع نیستم لایحه ای را که دیدم در آن لایحه تشخیص داده اند که مأمورین و امنای مالیه مستقیماً از طرف وزیر مالیه مأموریت پیدا کنند و از برای آنها وظایفی معین کرده اند که مالیات را مطابق دستوری از مرکز از طرف وزیر مالیه بآنها داده شده است بگیرند و حوالجاتی که توسط خزانه داری بآنها میرسد بپردازند مشروط بر اینکه تصدیق کمیسیون تطبیق حوالجات را داشته باشد و محاسبات خودشان را بیک اداره مستقل دیگری که اداره محاسبات است بفرستند

اگر درست ما دقت بکنیم می بینیم که آنچه مقصود ما است از این لایحه که از طرف وزیر مالیه پیشنهاد شده و بکمیسیون رجوع شده است بعمل میآید و تمام منظور ما همین است و چیزیکه مذاکره شد که خیلی دقت بشود که تشخیص وصول با بکسفر نباشد آنها هم مراعات شده است بواسطه اینکه در ولایات محتاج بیک مأموری برای تشخیص نیستیم زیرا که تشخیص از مرکز داده میشود و تشخیص دادن آن کتبا بچه های جزو جمعی است که در قدیم هم معمول بوده و حکام مطابق همان صورت جزو جمعا مالیات میکردند و ما دقتی که باید داشته باشیم در این است که این تشکیلات به همین ضوری که نوشته شده است بوقوع اجراء گذاشته شود و بنده خطر آقایان را متذکر میبارم چون خیلی دلتنگی دارند و البته حق دارند چون وظیفه هر دولت و ملت خواهی است که در این لایحه دقت بکنند و بدانیم که بواسطه این تشکیلات خرابان آسوده میشود یعنی موفق میشویم بر اینکه بدانیم چه میگیرند و زیاد نمیگیرند و بدانیم چه خرج می شود و یک شاهی زیاد خرج نمیشود و اما این لایحه که آقای سلطان امین خواندند در واقع راجع بنظامات اداری بود و خیلی خوب بود برای موقعی که لایحه و نظامنامه ها بکمیسیون قوانین مالیه می آید این لایحه خیلی بدرد ما خواهد خورد و ما را به نظامات اداری متذکر خواهند نمود

آقای سیدفاضل - بنده اول اظهار تعجب می کنم از اینکه آقای مغیر میفرمایند اداره جمع وصول راجع ب تشکیلات ولایات است

اداره جمع دو حیثیت دارد یکی حیثیت گرفتن از مردم یعنی از مالیات دهندگان جزء این راجع است ولایات و قتیکه لایحه تشکیلات ولایات بمجلس آمد در آن معاکره خواهیم کرد و یکی اداره جمع آوری کلی است

این مسئله در تشکیلات مرکزی باید معلوم شود و همچنین اداره تشخیص در مرکز معین شده اداره جمع کلی هم باید در مرکز معلوم باشد که داخل در شغل خزانه یا خارج از خزانه است شغل خزانه داری جمع و خرج است یا حقیقتاً

این بود که حاکم بر آن کسیکه نظم مینماید همان شخص ظالم بود امروز بواسطه معاکمه که قانون گذار در نظر گرفتند بکلی رفع این معظورات میشود و اینکه میفرمایند مأمور وصول باید یک کسی دیگر باشد بنده خیلی تعجب میکنم که چرا آقایان از خزانه داری اینقدر وحشت دارند خزانه دار بودن هیچوقت سبب تجاوز نمیشود مطابق العنان بودن خزانه دار سبب تجاوز میشود اما خزانه داری که تمام ترتیبات محدود شده است همین طور که در این قانون نوشته شده است او را محدود کرده اند بهیچوجه نمیتواند تجاوز بکند و کاملاً قوانین مالیه مادر تحت یک تنظیمات اساسی خواهد شد که هیچ قسم تشکیلات دیگری مقتضی نیست قطع نظر از آنچه که آقایان در نظر دارند یک قسمت از نظر مجلس این است که از مخارج بکاهد یعنی تقابل در مخارج کند بنابر این بخیال موهومی که اگر همچو اداره تأسیس کنیم از یک مضرات موهومی جلوگیری خواهد کرد این صحیح نیست و علاوه اگر بخواهیم این اداره را تأسیس کنیم خیلی دایره آن وسیع خواهد شد و مخارج زیاد لازم خواهد داشت

بنده تصور می کنم اگر وارد در مواد بشویم کلیه این اشکالات و اظهارات رفع میشود و هیچ یک از این اشکالات باقی نماندند

حاج شیخ اسدالله - در اینجا آقای مغیر و آقای حاج عبدالملک اظهار فرمودند که این تشکیلات فقط راجع بر مصحح است و تکلیف وصول مالیات در ضمن تشکیلات ولایات معلوم میشود خلاصه فرمایشات ایشان این بود

بنده خیلی از این مضامین تعجب میکنم برای اینکه تشکیلات ولایات را خودشان تصدیق دارند که یک شعبه از این شعبه مرکز است و عمده تشکیلات همین است که باین ادارات داده میشود و حدود اختیاراتی که در این تشکیلات معلوم میشود همین اختیارات به ولایات منسب خواهد شد اگر هر آینه ما اختیارات وصول را بدارد خرج دادیم بنا مستقیماً یک اداره برای جمع تأسیس کردیم یا تقسیم خود خزانه مأمور وصول است یا هر یک از ادارات دیگر رجوع کردیم اثرش اینست که مستقیماً خود آن اداره باید در آن کار نظارت بکند و باید از طرف همان اداره مأمور به ولایات برود و این از وظایف آن اداره است که در مرکز تأسیس میشود آنوقت تکلیف وصول مالیات معلوم خواهد شد که بعهده کی خواهد بود بنده خیلی تعجب میکنم باینکه آقایان در کمیسیون بودند باز هم این فرمایش را میکنند بنده عرض میکنم در ضمن این تشکیلات باید معزز شود که وصول مالیات بعهده کیست اگر بخواهند بفرستند بعهده خزانه دار است یعنی خزانه دار هم مأمور جمع است هم مأمور خرج ابتدا نمیشود هیچ چیزی را تصور کرد که اختیارات جمع و خرج هر دو در دست خزانه دار باشد بلی این نظری را هم که میفرمایند اداره جزو جمع نمیتواند مأمور وصول باشد بنده تصدیق دارم پس از اینجا یکی از دوشق را ممکن است اتخاذ کرد یا اینکه یک اداره جمعی در ضمن این تشکیلات اضافه سکند بنا یک بودجه خیلی

مختصر که بشود و چند نفر اجزاء دوم مرکز باشند و ولایات یا پیشکار مالیه باشد که برای ولایات یک بودجه غیر از بودجه حالبه ولایات نوشته نشود و فقط یک اداره مختصری در مرکز تشکیل شود باینکه این اختیارات از تمام ادارات گرفته شود اداره وصول هم جزء اداره خزانه باشد خزانه نمی تواند بکار مأمور جمع و یک مأمور خرج از خودش داشته باشد و اگر بخواهیم یک اداره جمع تأسیس کنیم می فرمایند بر بودجه اضافه خواهد شد بنده هم تصدیق دارم پس رفیع این اشکال باین میشود که مأمورین و پیشکاران مالیه که در ولایات میروند تعیین آنها بصوب شخص وزیر باشد آنوقت وظایف آنها مطابق این قانون معین است چه چیز است مطابق صورت جزو جمعی را که اداره تشخیص عایدات بآنها مینماید مطابق آن وصول کنند و در آخر هر برج یا آخر هر هفته بخرانه بپردازد و از آن اداره رسید دریافت کند و در جزء صورت حساب خودش بدارد محاسبات کلی بدهد و به همین ترتیب تا سال بگذرد و بعد از رسیدگی شود بنده گمان میکنم باین ترتیب مخارج ابتدا اضافه نمیشود و این اشکالات هم رفع میشود و اینکه می فرمایند چون نظریات در اینجا مختلف است تکلیف وصول در تشکیلات ولایات معلوم میشود که کدام یک از ادارات مأمور وصول باشند بنده بخواهم عرض کنم باید در ضمن همین لایحه معلوم شود و منتظر تشکیلات ولایات نباشیم

سردار معظم مخبر - با اظهار تعجبی که آقای حاج شیخ اسدالله از فرمایش بنده فرمودند متأسفم که نمی توانم جواب فرمایشات ایشان را بدهم زیرا که طبعاً مجبور خواهم شد که داخل در تشکیلات ولایات بشوم و آنوقت میترسم که آقای رئیس بفرمایند خارج از موضوع است

رئیس - گویا مذاکرات کافی است (جمعی گفتند کافی است) رای می گیریم آقایان که مذاکرات در کلیات را کافی میدانند قیام نمایند (هنده کمیتری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد چند دقیقه تنفس داده میشود و بعد از تنفس داخل در مواد میشود (در این موقع تنفس داده شد و پس از مدتی مجدداً مجلس تشکیل شد)

رئیس - آقای معاون اظهار داشتند؟

معاون وزارت جنگ - هنگامیکه پروگرام وزراء تقدیم مجلس شورای ملی شد و در ضمن مواد راجع به اویج قانون وزارت جنگ اظهار شده بود که در تحت مدافعه و مطالبه است فعلاً در فقره لایحه یکی راجع بر بارز کمی و یکی راجع بر بارز و ترتیب ترخیص درجه نظامی حاضر شده است و از طرف حضرت اشرف آقای رئیس الوزراء تقدیم میشود

رئیس - فرستاده میشود بکمیسیون نظام

معاون وزارت خنک - بودجه وزارت جنگ هم آنچه راجع بر مرکز بود تهیه و بوزارت مالیه فرستاده شده که از آنجا بمجلس تقدیم شود

وزیر معارف - این پیشنهادی است راجع به وزارت اوقاف تقدیم میشود

رئیس - بکمیسیون معارف و اوقاف رجوع میشود قانون تشکیلات مالیه مطرح است رای گرفتیم

در کافی بودن مذاکرات حالا باید رای بگیریم که داخل در مواد مذاکره شویم آقایانی که تصویب میکنند داخل در مذاکره مواد شویم قیام نمایند

(هنده کمیتری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده اول قرائت میشود (ماده اول از لایحه وزیر مالیه به مضمون ذیل قرائت شد)

ماده اول - وزارت مالیه به تقسیمات ذیل منقسم می شود:

(۱) دایره وزارتی

(۲) دایره تشخیص عایدات مستقیم و خاصجات و مسکوکات

(۳) اداره خزانه داری کل

(۴) اداره محاسبات کل مالیه

(۵) اداره دیون عمومی و وظایف

(۶) اداره گمرکات

(۷) اداره معاکمات مالیه

(۸) کمیسیون تطبیق حوالجات

(۹) اداره پرستار و ملزومات

(۱۰) مجلس مشاوره عالی برای معاکمات اداری

ماده اول از راپورت کمیسیون قوانین مالیه باین مضمون قرائت شد:

ماده اول - وزارت مالیه به تقسیمات ذیل منقسم می شود:

(۱) دایره وزارتی

(۲) اداره کل تشخیص عایدات و خاصجات و مسکوکات

(۳) اداره خزانه داری کل

(۴) اداره محاسبات کل مالیه

(۵) اداره گمرکات

(۶) اداره معاکمات مالیه

(۷) کمیسیون تطبیق حوالجات

(۸) اداره پرستار و ملزومات

(۹) مجلس مشاوره عالی برای معاکمات اداری

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله در فقره اول از ماده اول مغایرند؟

حاج شیخ اسدالله - بلی عرض دارم در اینجا بنده تصور میکنم یک اصلاح جزئی لازم است و آن اینست که در اینجا اداره وزارتی بدایره وزارتی تغییر کرده است و اداره وزارتی هم دارای اداره کابینه و اطراف خود وزارت است و علاوه بر آن تغییر کردن اداره وزارتی بدایره بکندری خارج از نوا کتبخانی است بنده تصور میکنم دایره را به اداره تبدیل کنند بهتر است

سلیمان میرزا - در لایحه وزیر از برای دیون عمومی هم یک دایره ذکر شده بود و در راپورت کمیسیون اسمی از آن دایره برده نشده است آیا مقصود از حذف این عبارت چیست؟

رئیس - مذاکره راجع بقدره اول است

منقصر السلطان - در اینجا که دایره وزارتی ذکر شده است عرض میکنم بفرخور حال خودش اهمیت دارد بدایره وزارتی نمیشود اداره وزارتی گفت دایره وزارتی فقط تشکیل کابینه میدهد و مدیر کل از برای دایره وزارتی نیست فقط دایره وزارتی یک دارالانشائی است و نمیتواند اداره نوشت

حاج شیخ اسدالله - بنده زیاد اصرار بر این مطلب ندارم زیرا که يك اشكال اساسی نیست ولی دایره باید در تحت يك اداره باشد و کابینه وزیر در تحت ادارات دیگری نیست اداره وزارت را تغییر بدایره کرده و اداره جمع را تغییر بدایره کردن خوب نیست ممکن است در اینجا دایره را تغییر بدایره بدهند اگر آقای مخبر قبول میکنند خیلی خوب است والا عرضی ندارم

سردار معظم مخبر - نظر باینکه همانطور که فرمودند مسئله خیلی کوچک است همانطور که در لایحه ذکر شده است دایره وزارتنی کافی خواهد بود.

رئیس - در فقره اول از ماده اول گویا ما کرات کافی است دو فقره دوم مخالف است؟
حاج شیخ اسدالله - در فقره دوم میگوید اداره کل تشخيص عایدات و خالصجات و مسكوكات اینجا اولاً مقدم و مؤخر نوشته شده است نوشته شود اداره تشخيص كل عایدات بهتر است

اداره كل تشخيص عایدات خارج از سابق عبارتی است و باید نوشته شود اداره تشخيص كل عایدات و بعد از اینکه این مسئله اصلاح شد آنوقت اداره تشخيص كل عایدات کافی است دیگر لازم بذکر خالصجات و مسكوكات نیست برای اینکه اگر خواسته باشیم عایدات را ذکر کنیم باید عایدات دیگر را غیر از خالصجات و مسكوكات ذکر کرد عایدات منحصر بخالصجات و مسكوكات نیست تصور میکنم اگر این عبارت تبدیل شود اداره تشخيص كل عایدات و قناعت بهمین دو کلمه شود کافی است

سردار معظم مخبر - با تغییر کلمه كل معنی تغییر میکند در اینجا که نوشته شده است اداره كل تشخيص عایدات این كل راجع بعایدات نیست مقصود تعیین درجه این اداره است چون ادارات دیگری هم هست که بعد از این اداره كل هستند بعضی ادارات دیگر هستند که اداره جزء هستند یعنی مرتبه آنها است تر است باینجهت کلمه كل در اینجا نوشته شده است و مقصود كل عایدات نبوده است اما مطلب دیگر که فرمودند خالصجات و مسكوكات ذکر نشود اینطور نیست بجهت اینکه نشر کمیسیون فقط تشخيص عایدات خالصجات و مسكوكات نبوده است اگر مقصود این بود شاید نظرش موافق با ایشان بود ولی از خالصجات و مسكوكات معنیانی غیر از عایدات هست و اداره لازم دارد که متصدی آن عملیات باشد بنابراین خالصجات و مسكوكات هم ذکر شده است

مدرس - گمان میکنم این ماده را که ما نمی فهمیم اگر بدست دیگران هم بیفتد فهمند اصل اداره شكل تشخيص غلط است زیرا که تشخيص قابل كل و جزء نیست و اما آن فرمایشاتی که در خصوص خالصجات و مسكوكات فرمودند از این عبارت چنین فهمیده میشود که این اداره سه کار دارد يك كارش اینست که عایدات را تشخيص بدهد كار دیگری هم اداره کردن خالص است يك كارش هم اینست که مسكوكات را اداره کند از این عبارت که نوشته شده است همه مفهوم میشود که خالصجات و مسكوكات جزیه همین اداره است در کلیات مذاکره شد که اداره که عایدات ربطی به اداره تشخيص ندارد

لهذا عقیده بنده این است همانطوریکه آقای حاج شیخ اسدالله گفتند کافی است که در این ماده نوشته شود اداره تشخيص شكل عایدات و لفظ خالصجات و مسكوكات را حذف کنند اگر اداره دیگری در تحت ریاست وزیر قرار دادند آنوقت این دو اداره جزء اداره كل عایدات نوشته شود و اداره تشخيص داخلی بدایره تشخيص عایدات ندارد در این موضوع دیگر عرضی ندارم و پیشنهادی هم کرده ام

رئیس - پیشنهاد آقای مدرس کرده اند راجع باینکه دو فقره فزائت میشود (به مضمون ذیل فزائت شد)

پیشنهاد میکنم فقره دوم از ماده اول چنین نوشته شود - اداره تشخيص كل عایدات
رئیس - آقای مخبر تقاضا میکنند بیک کمیسیون **سردار معظم مخبر** - غیر

محمداشاه ششم میرزا - این پیشنهاد بکلی معنائی را که در کمیسیون مقصود بود از میان برده مقصودمان این بود که اداره كل تشخيص داشته باشیم نه اداره تشخيص كل عایدات اگر این طور بشود مقصود کمیسیون از میان خواهد رفت بنده عرض میکنم که كل در مقابل جزء است نه مقصود تشخيص كل عایدات اداره جزء تشخيص و اداره كل تشخيص هر دو باید باشد و همانطوریکه کمیسیون راپورت داده است بهتر است

مدرس - بنده عرض میکنم اداره تشخيص ممکن است دو مرکز باشد و ممکن است در ولایات شعبات داشته باشد اینک هم فرمایند در ولایات ادارات دارد مثل سایر ادارات که نوشته اند و لفظ كل را نگذاشته اند و همه را نوشته اند اداره فلان و ممکن است منحصر بر كل باشد از این جهت بنده عرض کرده اداره كل عایدات نوشته شود بهتر است زیرا دوایر دیگری هم اگر تأسیس شود در تحت این اداره خواهد بود و تصور میکنم اگر لفظ كل در جلو عایدات نوشته شود معنیش این میشود که تمام تشخيص بعهده این اداره است و بهتر است

سردار معظم - در باقی بودن لفظ كل یا نبودن کمیسیون اصراری ندارد ولی اگر بخواهند لفظ كل را از اینجا حذف کنند و جلو عایدات بنویسند تصور میکنم فایده داشته باشد

رئیس - مذاکرات کافی است برای میگیریم در باب قابل توجه بودن پیشنهاد آقای مدرس آقایان بکنه پیشنهاد ایشان را قابل توجه میدانند قیام نمایند (بعد قلبی قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد در فقره سوم مخالفی هست یا نیست (اظهاری نشد)
در فقره چهارم مخالفی هست؟
سلیمان میرزا - عرض کردم که در لایحه وزیر دیون عمومی ذکر شده بود در راپورت کمیسیون ذکری از آن نشده گویا مقصودشان این است که در جزء اداره محاسبات نوشته شود اگر مقصود این است باید ضمیمه شود والا باید توضیح بدهند که دیون عمومی و وظایف متعلق بکدام يك از این ادارات خواهد بود
سردار معظم مخبر - اگر چه مسئله اداره دیون

مخبر کمیسیون - بعضی ادارات است که اداره كل است و مدیر كل خواهد داشت و بعضی هستند که اداره هستند و بعضی دوایر در تحت آن اداره است ولی افظكل بر آنها اطلاق نمیشود بعضی هم دایره هستند که در تحت ادارات و اداره گمرکات بین اولی و عمومی است و چون دارای شعبات متعدده است نه دائره است نه اداره كل

رئیس - مذاکرات گویا کافی باشد در جزء ششم مخالفی هست ؟

حاج امیر نظام - چه ضرر دارد که در عرض که تطبیق حوالجات همان دیوان محاسباتی که برای آن قانون هم نوشته شده است تشکیل شود دیگر محتاج تشویب به این کمیسیون و کمیسیون تطبیق حوالجات را تبدیل بدیوان محاسبات کنیم **مخبر** - کمیسیون تطبیق حوالجات يك کمیسیون موقتی است و در وقت در صدد است که تجدید نظری در قانون دیوان محاسبات بکند و این کمیسیون موقتی است و قائم مقام دیوان محاسبات خواهد بود و به وقت دولت پس از آنکه در قانون محاسبات تجدید نظر نمود آنوقت دیوان محاسبات تشکیل خواهد شد و این کمیسیون موقتی منحل خواهد شد

حاج امیر نظام - عرض بنده اینست که مالبه روح منکبت است و قانونیکه برای مالبه منکبت نوشته میشود باید خورری باشد که تیرگی لازم نداشته باشد و تمام موادش واضح باشد و از روی کمال دقت نوشته شود و از نظر نمایندگان بطور صحت بگذرد چنانچه تجربه ما نشان داده است قانون (۲۳) کماز مجلس گذشت تمام نمایندگان یعنی اکثریت مجلس آنرا تصدیق کردند بعد بواسطه بعضی مشکلاتی که در آن زمان جا گرفته مورد تنقید واقع شد بعد رجوع کردیم بنمایندگان که در سابق در مجلس بودند بعضی گفتند که این قانون نظر بشخص خزانه دار بود که از مجلس گذشت بعضی گفتند که وقتی در این قانون نشده حالا که این قانون از مجلس میگذرد بنده گمان میکنم يك جلسه یاد جلسه بایشتر در مجلس مقدس مطرح مذاکره بشود و از روی دقت و بصیرت يك قانونی تصویب شود که بعدها چه در نظر نمایندگان و چه در نظر همه مردم اسباب اشكال نباشد بهتر است

رئیس - حالا شور اول است در بین شور اول و شور دوم موافق نظامنامه افلا باید پنج روز فاصله باشد و در شور دوم ممکن است هر کس نظریاتی دارد اظهار کند و البته در این مسائل دقت خواهد شد

مخبر - بنده در يك قسمتی فرمایشات آقای حاج امیر نظام که مالبه روح منکبت است و باید در قوانین دقت شود هم مقدمه ام مخالف نیستم و مسلم است در این مسئله هیچ شکي نیست و همانطور که آقای رئیس فرمودند در شور دوم هر کس نظریاتی دارد اظهار میکند و بدیهی است که باید قانون از روی دقت بگذرد و هیچکس نمیتواند که نباید در قانون دقت نمود - اما اینکه فعلا کمیسیون تطبیق حوالجات باشد یا اینکه فوراً شروع کنیم بدیوان محاسبات البته مطالعه فرموده ایم که قانون دیوان محاسبات يك تأسیس مهم خیلی بزرگی است و تصور

میکنم که قانون دیوان محاسبات چندان موافق مقتضیات منکبت نوشته نشده است و چندان موافق مصالح امروزه نیست پس لازم هست که تجدید نظری در آن بشود حالا امر دایر است بین اینکه يك هیئتی قائم مقام دیوان محاسبات بشود و یا تمام اختیارات بوزیر مالبه داده شود اگر کمیسیون تطبیق حواله نباشد طبعاً اختیار حوالجات بدون طی کردن هیچ يك از درجات مقدماتی واگذار بوزیر مالبه میشود و تصور میکنم این مسئله چندان خوب نباشد بجهت اینکه همانطور که دیدیم و فعلا از جمع کردن تمام اختیارات در يك مرکز نعاشی داریم همین قضیه باید يك سرمشقی برای ما شده باشد و کلیه مقید باشیم که اختیارات را تقسیم کنیم مابین ادارات و اشخاص مختلفه و طوری رابطه بین اشخاص و دوایر را ترتیب بدهیم که مجموع عملیات آنها منتج بیک نتیجه مطلوبه برای منکبت بشود و از این نقطه نظر است هم خود دولت وهم کمیسیون تقاضا کردند يك هیئت کوچکی با وظایف مختصری قائم مقام دیوان محاسبات باشند تا اینکه يك تجدید نظری در قانون محاسبات بشود در این صورت بنده هیچ اشکالی در این مصاب نمی بینم

حاج امیر نظام - بنده عرض میکنم مخبر محترم این نکته را تصدیق دارم که نباید اختیارات بدست وزیر مالبه نوهی داده شود ولی اجازه میخواهم عرض کنم که اگر نمایندگان مجرم صلاح میدانند يك موقعی و یکدستی برای تطبیق حوالجات قرار دهند که در این مدت قانون دیوان محاسبات از مجلس بگذرد و آن چیزهاییکه مناسب حال و مزاج حالیه منکبت ما نبوده اصلاح شود و يك قانون دیوان محاسبات متنش و صعبی از مجلس بگذرد و داخل ادارات وزارت مالبه شده بجزای خودش سیر کند **میرزا فاسم خان** - یکدست از فرمایشات آقای حاج امیر نظام راجع بکنایات است و همانطور که فرمودند قانون باید خیلی بیسط باشد که باعث محضرات نشود ولی باید در نظر داشته باشند قوانینی که بی تجربه از مجلس میگذرد همان محضوراتی را دارد که قانون (۲۳) جزوا داشت و آن قانون وقتی از مجلس گذشت که ما به هیچوجه من الوجوه تشکلاتی در مالبه نداده بودیم

حالا هم این مطلب محتاج به خیلی از مقدمات است که هنوز در منکبت ما وجود ندارد و بعضی از آنها بوده است اگر ملاحظه فرمایند می بینند که بهیچ وجه من الوجوه بوده مرتبى نداریم و تازه در سه فقره بوده بکمیسیون بوده مجلس آمده است و از آنها باید بجهت بیاید پس از آنکه بوده منکبتی گذشت آنوقت نمیتوانیم قائل شویم که دیوان محاسباتی داشته باشیم و حوالجات از دیوان محاسبات صادر شود
بعلاوه دیوان محاسبات وظایف دیگری هم دارد که هیچکدام از آنها موجود نیست و به عقیده بنده این کمیسیون يك مقدماتی برای دیوان محاسبات فراهم خواهد کرد در اینصورت به عقیده بنده همان چیزها را بدولت پیشنهاد کرده باید مجلس قبول کند
رئیس - مذاکرات کافی است در فقره هشتم مخالفی نیست (گفته شد غیر)
در جزء نهم ایراد هست ؟

نظام السلطان - در اینجا نوشته شده است مجلس مشاوره عالی و برای او يك تکلیفاتی معین می کند من جمله تشکیل آنرا میبویسد مرکب است از نفر از روسای ادارات در صورتیکه این مجلس مشاوره عالی در واقع معکبه استیفاقی مالبه است یعنی اگر کسی شاکی باشد در آنها باید رسیدگی شود در صورتی که اعضاء آن از خود رؤسای ادارات باشند تا يك اندازه رفع شکایت مردم نباشد

بعلاوه این مجلس مشاوره راهم مجلس موقتی میشانند که در موقع احتیاج ضرورت باید تشکیل شود بنده عقیده ام این است که مجلس مشاوره نباید صورت رسمیت داشته باشد و اعضاء آن منحصر به نفر از رؤسای ادارات نباشند بلکه باید این مجلس را در تحت ریاست وزیر فرار داد که چهار نفری را خود وزیر معین کند که مسئولیت اداری نداشته باشند تا محضوری پیدا نشود

منقصر السلطان - مجلس مشاوره که در اینجا ذکر شده است استیفاقی نیست این معکبه راجع بامور اداری است که از اشخاصیکه در دوایر وزارت مالبه هستند شکایتی بشود باین مجلس رجوع شود و برای اعضاء مالبه دو تقصیر می توان ملاحظه کرد بکلی اینکه تقصیر راجع بامور مالبه است و يك تقصیر راجع بامور جزائی است و راجع بامورائی است که بجهت مشاوره عالی رجوع میشود و رسیدگی بآن تقصیر میکند در اینصورت بایستی چهار نفر از آن مدیران که در این قانون ذکر شده حاضر شوند و در آن موضوع معاکره رسیدگی کنند باین ملاحظه است که نوشته شده است چهار نفر در تحت ریاست وزیر مالبه یا معاون او رسیدگی و معاکره کنند و این مسئله مربوط باین نیست که اشخاص از خارج باشند و این معاکرات معاکرات اداری است و باید از اعضاء اداره رسیدگی کنند

محمداشاه ششم میرزا - بنده تصور میکنم که خارج از موضوع شده اند زیرا که این مسئله راجع است بجهت مشاوره عالی و این اعتراض که باقراد و اعضاء آن میشود راجع باینکه چهار نفر است مقصود این است که فقره نهم راجع بیک مجلس مشاوره عالی است اگر توضیح مشاوره عالی را میخواهند که خیلی خوب و الا داخل شدن در جزئیات آن راجع باینکه است

نظام السلطان - مجلس مشاوره عالی که تشکیل میشود باید نتیجه از آن گرفته شود موقتی هم که باشد و دائمی هم نباشد و تئیکه افراد آن از خود آن اداره باشند و يك چیزی را تصدیق یا تکذیب کرد بعقیده من تا يك اندازه نتیجه آن مشكوك میشود

سردار معظم - اگر چه بنده هم مقدمه ام این است که این مسئله در ضمن وظایف مجلس مشاوره عالی مناسک شده شود ولی حالا که مذاکره میشود عرض میکنم این معکبه معکبه اداری است و باید بشکایات مردم از اعضاء وزارت مالبه رسیدگی کند برای اینکه در خدمت مأمورین مالبه يك ثبات و دوامی باشد و آنها خودشان را مستخدم واقعی دولت بدانند و فقط اراده بکنند برای تغییر و انفسال آنها کافی نباشد باین جهت مامترف میشدیم که يك معکبه جزائی برای رسیدگی بقصدرات

مأمورین وزارت مالیه تشکیل شود که آن مجلس مشاوره عالی است حالا بمقرمانند این مجلس مشاوره عالی و این معکله اداری باید از اشخاص خارجی مرکب شود بنده تصور میکنم چیز فریبی خواهد بود بجهت اینکه تقصیر اجزاء آن اداره را باید آن اداره رسدگی کند و خود آنها برای این اشخاص یکجایز آنها می بیند کنند و الا وزیر مالیه اگر بود یک اشخاص خارجی را دعوت کند که بیاید اجزاء مراعا که نمایند این چیز غریبی خواهد بود

رئیس - گویا مذاکرات کافی باشد آقای مدرس یک پیشنهادی کرده اند که بگفته هم بعنوان اداره وصول کل عایدات اعم از مالیاتهای مستقیم و غیر مستقیم باین ماده الحاق شود توضیحی دارید بفرمایند تا ببینم آقای مخبر قبول میکنند یا خیر

مدرس - در توضیح این مطالب گویا خیلی مذاکره شد مقصود بنده این است اگر آقایان تأمل بفرمایند و آقای مخبر هم صلاح بدانند این پیشنهاد را موقتاً قبول بفرمایند تا کمیسیون مطرح مسا کرده شود که آیا تشکیلات مالیه محتاج باین اداره هست یا نیست عقیده بنده اینست که تشکیلات مرکزی محتاج بیک هیئت اداره در عرض سایر ادارات هست اینکه پیشنهاد کردم اداره وصول کل عایدات برای اینکه تمام اختیارات که در وزارت مالیه است در حقیقت مجری شده باشد آقایان فرمودند مجری شده صحیح است بعضی مجری شده است و همین مسئله وصول و خرج بازمانده است و باین پیشنهاد تمام اختیارات از هم مجری خواهد شد

رئیس - آقای مخبر تقاضا میکنند کمیسیون رجوع شود؟

سردار معظم - غیر بواسطه اینکه این مسئله را بکلی مناقی با اصول تشکیلات این قانون میدانم بعلاوه ایجاد این اداره در مرکز لازم است ایجاد چند شعبه است و در یک موقعی میتوان اداره تأسیس کرد که احتیاج به آن اداره داشته باشد در صورتیکه اختیارات را محدود نموده ایم مالیه اجازه نمیده که تأسیس این اداره بنامیم معین است که وصول محدود شده است معارج هم محدود معینی شده است معاجمات معارج ما محدود بحدود معینی شده است معاجمات معارج ما محدود بحدود معینی شده است معاجمات معارج ما محدود بحدود معینی شده است

رئیس - آقایان معترضین چه عرض میفرمایند؟

سردار معظم - بله اشتباه کردم

آقا سید فاضل - در ماده دوم میگوید تمام ادارات مذکوره در ماده فوق در تحت ریاست مستقیم وزیر مالیه خواهد بود

بنده عرض میکنم که وزیر مالیه مسئول مالیه مملکت خواهد بود و بنسبت اینکه وزیر مالیه مملکت است خوب است لهذا (در تحت ریاست) بلفظ (در تحت مسئولیت وزیر مالیه) تبدیل شود

سردار معظم مخبر - عقیده بنده خوب است آقا سید فاضل ترجیح میدهند همین جمله را که در راپورت کمیسیون نوشته شد بجهت اینکه از این ترتیبی که در کمیسیون نوشته شده است در مقصود حاصل میشود و آنطور که آقا میفرمایند یک مقصود حاصل میشود

وزیر مالیه صحیح است که مطابق قانون اساسی مسئول مالیه مملکت است و بعقیده بنده لازم نیست داخل در قانون اساسی بشویم در اینجا مقصود همین ریاست و وزارت مالیه نبوده است و از اینکه لفظ ریاست عوض مسئولیت نوشته شد مقصود آقا معتمد میشود زیرا وظایف ریاست در مسئولیت محکم تر میباشد

مدرس - در این قسمت نوشته شده است

بنده عرض میکنم که وزیر مالیه مسئول مالیه مملکت خواهد بود و بنسبت اینکه وزیر مالیه مملکت است خوب است لهذا (در تحت ریاست) بلفظ (در تحت مسئولیت وزیر مالیه) تبدیل شود

سردار معظم مخبر - عقیده بنده خوب است آقا سید فاضل ترجیح میدهند همین جمله را که در راپورت کمیسیون نوشته شد بجهت اینکه از این ترتیبی که در کمیسیون نوشته شده است در مقصود حاصل میشود و آنطور که آقا میفرمایند یک مقصود حاصل میشود

وزیر مالیه صحیح است که مطابق قانون اساسی مسئول مالیه مملکت است و بعقیده بنده لازم نیست داخل در قانون اساسی بشویم در اینجا مقصود همین ریاست و وزارت مالیه نبوده است و از اینکه لفظ ریاست عوض مسئولیت نوشته شد مقصود آقا معتمد میشود زیرا وظایف ریاست در مسئولیت محکم تر میباشد

مدرس - در این قسمت نوشته شده است

بنده عرض میکنم که وزیر مالیه مسئول مالیه مملکت خواهد بود و بنسبت اینکه وزیر مالیه مملکت است خوب است لهذا (در تحت ریاست) بلفظ (در تحت مسئولیت وزیر مالیه) تبدیل شود

سردار معظم مخبر - عقیده بنده خوب است آقا سید فاضل ترجیح میدهند همین جمله را که در راپورت کمیسیون نوشته شد بجهت اینکه از این ترتیبی که در کمیسیون نوشته شده است در مقصود حاصل میشود و آنطور که آقا میفرمایند یک مقصود حاصل میشود

وزیر مالیه صحیح است که مطابق قانون اساسی مسئول مالیه مملکت است و بعقیده بنده لازم نیست داخل در قانون اساسی بشویم در اینجا مقصود همین ریاست و وزارت مالیه نبوده است و از اینکه لفظ ریاست عوض مسئولیت نوشته شد مقصود آقا معتمد میشود زیرا وظایف ریاست در مسئولیت محکم تر میباشد

مدرس - در این قسمت نوشته شده است

هر چه بنده عرض میکنم چشمش سگور است میگوید دستش خوب است بنده خوب دست را قبول دارم بنده عرض میکنم متحد بودن اداره وصول که جمع باشد یا خرج خوب نیست میفرمایند خرج بر مبادد حال آنکه اینطور نیست و همین مأمورین که در ولایات هستند ممکن است مالیات را وصول کنند فقط یک اداره در مرکز باید تشکیل شود و شعبش در ولایات از همین مأمورین حالیه باشند که مالیات را بگیرند و بخرانه داری تحویل بدهند و اداره خزانه داری فقط تحویل بگیرد و هیچ دخالت در کاری دیگر نکند و در اینصورت نه خرج زیاد میشود و کار هم اصلاح شده است میفرمایند اگر اختیاراتی پیدا شد معاجمات رفع میکنند فرض ما این است یک کاری بکنیم که اشکال را بر داریم و مهمانکن اشکال پیدا نشود نه اینکه اشکال پیدا شود بعد رفع کنیم و تصور میکنم اگر این پیشنهاد را قبول فرمایند بهتر است

سردار معظم - گویا آقای مدرس در عرضش بنده دقت نکردند و الا نمیفرمودند که من میگویم چشمش سگور است میگویند دستش خوب است همه تصدیق دارند که جمع و خرج نباید در یکجا جمع شود اما چه جمع و خرج و خرجی که معین نباشد بی در صورتیکه جمع و خرج بیست حدود معینی منحصر نباشد بنده هم عقیده با آقای مدرس همراه است که باید جمع را بیکجاست گرفت و خرج را بیکجاست گرفت ولی در اینجا اینطور نیست در اینجا وقتیکه ما قائل باداره تشخیس شدیم و تهیه جزء جمعها را بیک اداره واگذار کردیم و خزانه را از آن اداره منتقل کردیم و خزانه را مکلف کردیم که حق نداشته باشد از حدود خودش تجاوز کند مطابق آن صورتهائی که یک اداره دیگری داده است باید رفتار کند در اینصورت به عقیده بنده چندان فرق نمیکند پول را بر طبق صورت یک اداره بگیرد و مطابق تصویر یک اداره دیگری تحویل بدهد بنده حقیقه وقتی فکر میکنم می بینم تفاوت چندانی حاصل نمیشود اگر اداره خزانه خودش را مقید و محدود بحدود معین نمیدانست و مختار بود هر چه میخواست میکرد آن وقت بنده هم با عقیده آقا همراه بودم و کاملاً فرمایشات ایشان را تصدیق میکردم ولی چنانچه عرض شد خزانه داری راجع بجمعش محدود است بصورتها و جزء جمعها اداره تشخیس راجع بخرش باز هم خودش نیست بمقتداست به تصویر کمیسیون تطبیق حوالجات واصل حواله که وزیر مالیه صادر میکند چه در حوالجات مستقیم و چه در حوالجات اعتباری باید دو وجه را طی کند تا برسد بوقع تادیه اما اینکه فرمودند این تولید هیچ خرجی نخواهد کرد بنده تصور میکنم که اینطور نباشد و خرج درست دو برابر خواهد شد در هر صورت باید منتقد شوند که خزانه مکلف به تادیه معارج است این معارج مسلم است منحصر بظهران نیست در تمام ولایات جزء هم معارج هست آیا بتوسطه کی آن معارج را باید بدهد البته البته بتوسط مأمورین خودش خواهد بود خزانه باید متصدی معارج بشود و طبعاً همین جهت باید منتقد شویم که خزانه حق نگاهداری مأمورین مخصوصی از ادارات کل و جزء خواهد

رئیس - گویا مذاکرات کافی باشد آقای مدرس یک پیشنهادی کرده اند که بگفته هم بعنوان اداره وصول کل عایدات اعم از مالیاتهای مستقیم و غیر مستقیم باین ماده الحاق شود توضیحی دارید بفرمایند تا ببینم آقای مخبر قبول میکنند یا خیر

مدرس - در توضیح این مطالب گویا خیلی مذاکره شد مقصود بنده این است اگر آقایان تأمل بفرمایند و آقای مخبر هم صلاح بدانند این پیشنهاد را موقتاً قبول بفرمایند تا کمیسیون مطرح مسا کرده شود که آیا تشکیلات مالیه محتاج باین اداره هست یا نیست عقیده بنده اینست که تشکیلات مرکزی محتاج بیک هیئت اداره در عرض سایر ادارات هست اینکه پیشنهاد کردم اداره وصول کل عایدات برای اینکه تمام اختیارات که در وزارت مالیه است در حقیقت مجری شده باشد آقایان فرمودند مجری شده صحیح است بعضی مجری شده است و همین مسئله وصول و خرج بازمانده است و باین پیشنهاد تمام اختیارات از هم مجری خواهد شد

رئیس - آقای مخبر تقاضا میکنند کمیسیون رجوع شود؟

سردار معظم - غیر بواسطه اینکه این مسئله را بکلی مناقی با اصول تشکیلات این قانون میدانم بعلاوه ایجاد این اداره در مرکز لازم است ایجاد چند شعبه است و در یک موقعی میتوان اداره تأسیس کرد که احتیاج به آن اداره داشته باشد در صورتیکه اختیارات را محدود نموده ایم مالیه اجازه نمیده که تأسیس این اداره بنامیم معین است که وصول محدود شده است معارج هم محدود معینی شده است معاجمات معارج ما محدود بحدود معینی شده است معاجمات معارج ما محدود بحدود معینی شده است

رئیس - آقایان معترضین چه عرض میفرمایند؟

سردار معظم - بله اشتباه کردم

آقا سید فاضل - در ماده دوم میگوید تمام ادارات مذکوره در ماده فوق در تحت ریاست مستقیم وزیر مالیه خواهد بود

بنده عرض میکنم که وزیر مالیه مسئول مالیه مملکت خواهد بود و بنسبت اینکه وزیر مالیه مملکت است خوب است لهذا (در تحت ریاست) بلفظ (در تحت مسئولیت وزیر مالیه) تبدیل شود

سردار معظم مخبر - عقیده بنده خوب است آقا سید فاضل ترجیح میدهند همین جمله را که در راپورت کمیسیون نوشته شد بجهت اینکه از این ترتیبی که در کمیسیون نوشته شده است در مقصود حاصل میشود و آنطور که آقا میفرمایند یک مقصود حاصل میشود

وزیر مالیه صحیح است که مطابق قانون اساسی مسئول مالیه مملکت است و بعقیده بنده لازم نیست داخل در قانون اساسی بشویم در اینجا مقصود همین ریاست و وزارت مالیه نبوده است و از اینکه لفظ ریاست عوض مسئولیت نوشته شد مقصود آقا معتمد میشود زیرا وظایف ریاست در مسئولیت محکم تر میباشد

مدرس - در این قسمت نوشته شده است

بنده عرض میکنم که وزیر مالیه مسئول مالیه مملکت خواهد بود و بنسبت اینکه وزیر مالیه مملکت است خوب است لهذا (در تحت ریاست) بلفظ (در تحت مسئولیت وزیر مالیه) تبدیل شود

سردار معظم مخبر - عقیده بنده خوب است آقا سید فاضل ترجیح میدهند همین جمله را که در راپورت کمیسیون نوشته شد بجهت اینکه از این ترتیبی که در کمیسیون نوشته شده است در مقصود حاصل میشود و آنطور که آقا میفرمایند یک مقصود حاصل میشود

وزیر مالیه صحیح است که مطابق قانون اساسی مسئول مالیه مملکت است و بعقیده بنده لازم نیست داخل در قانون اساسی بشویم در اینجا مقصود همین ریاست و وزارت مالیه نبوده است و از اینکه لفظ ریاست عوض مسئولیت نوشته شد مقصود آقا معتمد میشود زیرا وظایف ریاست در مسئولیت محکم تر میباشد

مدرس - در این قسمت نوشته شده است

بنده عرض میکنم که وزیر مالیه مسئول مالیه مملکت خواهد بود و بنسبت اینکه وزیر مالیه مملکت است خوب است لهذا (در تحت ریاست) بلفظ (در تحت مسئولیت وزیر مالیه) تبدیل شود

سردار معظم مخبر - عقیده بنده خوب است آقا سید فاضل ترجیح میدهند همین جمله را که در راپورت کمیسیون نوشته شد بجهت اینکه از این ترتیبی که در کمیسیون نوشته شده است در مقصود حاصل میشود و آنطور که آقا میفرمایند یک مقصود حاصل میشود

وزیر مالیه صحیح است که مطابق قانون اساسی مسئول مالیه مملکت است و بعقیده بنده لازم نیست داخل در قانون اساسی بشویم در اینجا مقصود همین ریاست و وزارت مالیه نبوده است و از اینکه لفظ ریاست عوض مسئولیت نوشته شد مقصود آقا معتمد میشود زیرا وظایف ریاست در مسئولیت محکم تر میباشد

مدرس - در این قسمت نوشته شده است

بنده عرض میکنم که وزیر مالیه مسئول مالیه مملکت خواهد بود و بنسبت اینکه وزیر مالیه مملکت است خوب است لهذا (در تحت ریاست) بلفظ (در تحت مسئولیت وزیر مالیه) تبدیل شود

سردار معظم مخبر - عقیده بنده خوب است آقا سید فاضل ترجیح میدهند همین جمله را که در راپورت کمیسیون نوشته شد بجهت اینکه از این ترتیبی که در کمیسیون نوشته شده است در مقصود حاصل میشود و آنطور که آقا میفرمایند یک مقصود حاصل میشود

ریاست مستقیم بنده پیشنهاد کردم (مستقیماً در تحت ریاست) نه ریاست مستقیم و آن عبارت هم که مسئولیت باشد البته وزیر وزارتخانه و اداره مسئول آن وزارتخانه و اداره میباشد ریاست هم معنایش همین است ولی نوشتن آنهم ضرر ندارد

لذا آنجا پیشنهاد کردم که (مستقیماً در تحت ریاست و مسئولیت وزیر مالیه خواهند بود)

سلیمان میرزا - در اینجا نوشته شده است که کلیه ادارات در ماده فوق در تحت ریاست مستقیم وزیر مالیه خواهند بود باید دقت کرد که در ماده فوق فقط لفظ ادارات نیست کمیسیون تطبیق حوالجات و پرسنال و مجلس مشاوره عالی برای معاجمات نیز هست وقتیکه این ماده باین ترتیب نوشته شده باشد میتوان سوم تصور کرد که فلان معکله با فلان دائره در تحت ریاست وزیر مالیه نیست فقط آنچه که اسم اداره بر آن تعلق میگیرد در تحت ریاست وزیر مالیه است و بعلاوه باید دید تشکیلات وزارتخانه ها وقتیکه گفته اند دائره در تحت ریاست یک اداره است باید معلوم شود که هر دائره در تحت ریاست کدام اداره است و در مواردی که ذکر شده است ارتباط آن دوائر با ادارات معین شده بود وقتیکه نوشته میشود کلیه ادارات مذکور در تحت ریاست مستقیم وزیر مالیه خواهند بود آن دوائر را هم شامل بود چون این ارتباط منظور نشده معلوم نیست که ترتیب دوائر از چه قرار است در صورتیکه در ماده ششم هم ذکر شده است رؤسای دوائر ادارات مذکوره بتصویب رئیس اداره و حکم وزارت معین میشوند وقتیکه این دورا با هم تطبیق کنند و بهایوی هم بگذارند و قلمبه کنند معلوم نیست که رئیس دائره پرسنال و منورست را رئیس کدام اداره باید بوزیر پیشنهاد بکنند تا وزیر حکم بدهد بنابراین بنده خیال میکنم عوض کلیه ادارات (کلیه ادارات و دوائر) یا (کلیه تقسیمات قومی) کلمات تمام آنها بشود نوشته شود بهتر است تا آنکه کمیسیون برای موقع شور و دوائر ارتباط دوائری که در اینجا اسم برده شده است با ادارات معین نمایند

سردار معظم - این ایراد چندان وارد نیست بنده مخالفتی ندارم لفظ دوائر هم اضافه شود ولی زیاد است زیرا هر دائره لازم نیست حتماً در تحت یک اداره باشد بلکه ممکن است یک دوائر مستقلی باشد چنانچه دائره پرسنال که در تحت ریاست وزیر مالیه است بدون اینکه در تحت حکم یک اداره باشد این ترتیب اگر لازم بدانند لفظ دوائر اضافه میشود

رئیس - مذاکرات گویا کافی باشد - آقای مدرس پیشنهادی کرده اند اگر قابل توجه شد کمیسیون رجوع شود

(پیشنهاد مدرس بضمون ذیل قرائت شد)

پیشنهاد میکنم ماده دوم چنین نوشته شود کلیه ادارات مذکور در ماده فوق مستقیماً در تحت ریاست وزیر مالیه خواهند بود

رئیس - اصلاح عبارتی دارد در لفظ مسئولیت اضافه کردید

سردار معظم مخبر - چون مقصود جزئی است رجوع فرمایند کمیسیون

(پیشنهاد مدرس بضمون ذیل قرائت شد)

پیشنهاد میکنم ماده دوم چنین نوشته شود کلیه ادارات مذکور در ماده فوق مستقیماً در تحت ریاست وزیر مالیه خواهند بود

رئیس - اصلاح عبارتی دارد در لفظ مسئولیت اضافه کردید

سردار معظم مخبر - چون مقصود جزئی است رجوع فرمایند کمیسیون

(پیشنهاد مدرس بضمون ذیل قرائت شد)

پیشنهاد میکنم ماده دوم چنین نوشته شود کلیه ادارات مذکور در ماده فوق مستقیماً در تحت ریاست وزیر مالیه خواهند بود

رئیس - اصلاح عبارتی دارد در لفظ مسئولیت اضافه کردید

سردار معظم مخبر - چون مقصود جزئی است رجوع فرمایند کمیسیون

(پیشنهاد مدرس بضمون ذیل قرائت شد)

پیشنهاد میکنم ماده دوم چنین نوشته شود کلیه ادارات مذکور در ماده فوق مستقیماً در تحت ریاست وزیر مالیه خواهند بود

رئیس - اصلاح عبارتی دارد در لفظ مسئولیت اضافه کردید

سردار معظم مخبر - چون مقصود جزئی است رجوع فرمایند کمیسیون

(پیشنهاد مدرس بضمون ذیل قرائت شد)

پیشنهاد میکنم ماده دوم چنین نوشته شود کلیه ادارات مذکور در ماده فوق مستقیماً در تحت ریاست وزیر مالیه خواهند بود

رئیس - اصلاح عبارتی دارد در لفظ مسئولیت اضافه کردید

رئیس - اگر مخالفتی نباشد جلسه را ختم می کنیم جلسه آینده روز شنبه سه ساعت بفرود خواهد بود دستوروم مذاکرات در قانون تشکیلات ماله و رسیدگی باعتبارنامه های راجع با آقای میرزا هسی خان و آقای حاج اعتبار السلطنه خواهد بود مجلس تقریباً یکساعت از شب گذشته ختم شد

جلسه ۲۶

صورت مشروح مجلس روز شنبه نهم شهر جمادی الثانیه ۱۳۳۳

مجلس تقریباً یکساعت و نیم قبل از غروب در تحت ریاست آقای دکتر اسمعیل خان مؤبد السلطنه نایب رئیس تشکیل و صورت مجلس روز شنبه هفتم قرائت شد

قائنین بدون اجازه - آقای حاج امام جمعه حاج میرزا شمس الدین حاج شیخ اسمعیل

قائنین با اجازه - آقای ارباب کیخسرو آقای ناصر الاسلام

نایب رئیس - ملاحظاتی در صورت مجلس نیست؟ (اظهاری نشد) صورت مجلس تصویب شد مذاکرات امروز در بقیه قانون تشکیلات مالیه است مطابق راپورت کمیسیون

(ماده سوم از پیشنهاد وزیر مالیه بضمون ذیل قرائت شد)

ماده سوم - ادارات مزبوره در تحت ریاست بکنفر رئیس بوده بقدر لزوم اجزاء خواهند داشت با استثنای مجلس مشاوره عالی که ترتیب آن در ماده (۵۰) مذکور است

(راپورت کمیسیون قوانین مالیه بضمون ذیل قرائت شد)

ماده سوم - ادارات مزبوره هر یک در تحت ریاست بکنفر رئیس بوده بقدر لزوم اجزاء خواهند داشت به استثنای مجلس مشاوره عالی که ترتیب آن در مواد (۵۴) و (۵۵) مذکور است

حاج شیخ اسدالله - بنده تصور میکنم اگر اینجا یک لفظی اضافه شود بهتر است زیرا که ادارات بعضی دوائر دارند و اسمی از آن دوائر برده نشده است باید نوشته شود در تحت ریاست یک نفر رئیس بوده بقدر لزوم دوائر و اجزاء خواهند داشت

سردار معظم مخبر - مقصود این نیست که ادارات را منقسم بدوائر بکنند و تقسیمات او را معین نمایند مقصود این است که این ادارات هر یک در تحت ریاست بکنفر خواهد بود و البته بقدر لزوم اجزاء خواهد داشت

حاج امیر نظام - بنده هیچ مضرتهائی در بقیه و متمم عرضش بریزوز خود را که با شتاب نمره عرض کرده بودم مجدداً عرض کنم و آن اینست که در این ماده نوشته شده است اجزاء بقدر لزوم و بحکم تجربه ما دیدیم در این ۳ سال هر قانونی که از مجلس گذشته تا بهار حقوق اجزاء منوط بود به آمدن بودجه در مجلس ولی هیچوقت ندیدیم بودجه به مجلس بیاید همینکه آن قانون از مجلس گذشت هر رئیس بنسبت همین لفظ (باندازه لزوم) برای خودش اجزائی تشکیل داده و معارج مالیه ما از صد هزار تومان چهار کرور رسید در این ۳ سال تمام

سردار معظم - این ایراد چندان وارد نیست بنده مخالفتی ندارم لفظ دوائر هم اضافه شود ولی زیاد است زیرا هر دائره لازم نیست حتماً در تحت یک اداره باشد بلکه ممکن است یک دوائر مستقلی باشد چنانچه دائره پرسنال که در تحت ریاست وزیر مالیه است بدون اینکه در تحت حکم یک اداره باشد این ترتیب اگر لازم بدانند لفظ دوائر اضافه میشود

رئیس - مذاکرات گویا کافی باشد - آقای مدرس پیشنهادی کرده اند اگر قابل توجه شد کمیسیون رجوع شود

(پیشنهاد مدرس بضمون ذیل قرائت شد)

پیشنهاد میکنم ماده دوم چنین نوشته شود کلیه ادارات مذکور در ماده فوق مستقیماً در تحت ریاست وزیر مالیه خواهند بود

رئیس - اصلاح عبارتی دارد در لفظ مسئولیت اضافه کردید

سردار معظم مخبر - چون مقصود جزئی است رجوع فرمایند کمیسیون

(پیشنهاد مدرس بضمون ذیل قرائت شد)

پیشنهاد میکنم ماده دوم چنین نوشته شود کلیه ادارات مذکور در ماده فوق مستقیماً در تحت ریاست وزیر مالیه خواهند بود

رئیس - اصلاح عبارتی دارد در لفظ مسئولیت اضافه کردید

ادارات مالیه در حقیقت واجب بخرانه داری بود و حالا که بچند قسمت منقسم شده است تصور میکنم هر یک از روسای آن ادارات تصور خواهند کرد لفظ بقدر لزوم يك اندازه است که باید همان قدری که خزانه داری برای تمام تشکیلاتش اجزا لازم داشت اینها برای يك دائره یا يك اداره اجزا حاضر میکنند بنده عرض میکنم مالیه و ثروت مملکت ما مقتضی این همه عمارت و معارج نیست باین جهت بنده هیچ مضرتهائی بینم که وزیر مالیه عده اشخاص را که باید در این اداره مستخدم شوند با بودجه حقوق آنها را همین زودی بکمیسیون بودجه بیاورد که از بند معارج فوق العاده که ثروت مملکت ما اجازه آن را نمیدهد محفوظ بمانیم

عجل الدوله - این فرمایشاتی که نمایند محترم کردند بنظرم اگر دقت بفرمایند این تشکیلات و این ادارات يك چیزی نیست که تازه احداث شود و يك چیزی نخواهد که از نو بخواهد تأسیس کنند و در این قانون هم اسم برده نشده است که این تأسیسات را از نو تجدید میکنند تا بهات تمدد اجزاء و از زیاد معارج شود برای اینکه در اداره خزانه داری که تا (۲۶) حوت بود و قانون آن نسخ شد همین ادارات باسم خزانه داری یا يك عده اجزاء زیاد و يك حقوق غیر مناسب بی اندازه موجود بود و حالا هم همان ادارات است که از خزانه داری تقسیم و مجزی میشود و مستقیماً در تحت ریاست وزیر مالیه خواهند بود و تفاوت خرج از برای ما خیلی خواهد بود یعنی از حیث تنزیل و ابعاد اضافه خرج پیدا میشود بلکه از روی اطلاعاتی که شخصاً دارم و زوات مالیه قریب هفت ماه است کمیسیون تشکیل داده در بودجه مالیه دقت میکنند و يك تفاوت کلی در تقبیل معارج برای ما پیدا شده است گمان میکنم بعد از اینکه آگاه شوند که این ادارات و تشکیلات تازه نیست و همان اداره خزانه داری است که اسمی مختلف دارد آنوقت قانع خواهند شد که این ماده مضر نیست و هیچ محتاج نخواهیم بود که صورت اجزاء را بیاورند و بودجه مرکزی وزارت مالیه هم حاضر است گمان میکنم عتقرب مجلس بیاید و خیلی از برای دولت مقرون بمرقبه خواهد بود

سلیمان میرزا - چنانکه در جلسه قبل عرض آقایان رسانیدم در وزارت مالیه هم اداره موجود است و هم دائره اینجا هم مثل ماده دوم نوشته شود ادارات و دوائر مذکوره هر یک در تحت ریاست بکنفر رئیس بوده زیرا اگر نوشته شود ماده ششم يك چیز غریبی میشود زیرا که در ماده ششم ذکر شده است رؤسای دوائر ادارات مذکوره پس باید در اینجا اسمی از رؤسای دوائر برده شود بواسطه اینکه همانطور که اداره رئیس دارد دائره هم اختیار مطلق با مجلس است وقتی بودجه ها بچیس آمد بکمیسیون بودجه رجوع میشود و کمیسیون بودجه و مجلس اقتداری را که زیاد میدانند تصویب نخواهند نمود

مخبر - بطور اختصار عرض میکنم دوائری که در ماده ششم مذکور است مربوط بپاده ۳ نیست

با وجود این تصور میکنم که اگر مقصود اصلاح مخابراتی باشد پیشنهاد کنند می پذیرم

نایب رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله پیشنهادی در این موضوع کرده اند قرائت میشود (مضمون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم عبارت اینمضمون نوشته شود بقدر لزوم دوائر واجزاء خواهند داشت

مخبر - بفرستند بکمیسیون اصلاح میشود

نایب رئیس - مذاکرات در این باب کافی است ماده چهارم قرائت میشود

(ماده چهارم لایحه وزیر مضمون ذیل قرائت شد) ماده (۴) - روسای ادارات مذکور در فقره ۲ و ۳ و ۴ و ۵ و ۶ و ۷ ماده اول مطابق پیشنهاد وزیر مالبه بصورت فرمان های مابونی منصوب میشوند

حاج عزالممالک - راپورت کمیسیون هم تقریباً عین ماده لایحه وزیر است

ماده ۴ - روسای ادارات مذکور در فقرات ۲ و ۳ و ۴ و ۵ و ۶ ماده اول بر حسب پیشنهاد وزیر مالبه بصورت فرمان های مابونی منصوب میشوند

نایب رئیس - مخالفی نیست (اظهاری نشد) (ماده پنجم لایحه وزیر این مضمون قرائت شد) ماده پنجم - مدیر دایره پرسنل و ملزومات وزارت مالبه بر حسب حکم وزیر مالبه منصوب میشوند (ماده پنجم راپورت کمیسیون)

ماده پنجم - رئیس ادارات پرسنل و ملزومات وزارت مالبه بر حسب حکم وزیر مالبه منصوب میشوند

حاج شیخ یوسف - در ماده اول در قسمت هشتم دائره پرسنل نوشته و در این جا رئیس اداره نوشته شده است گمان میکنم اشتباه قلمی شده است

رئیس - اداره را باید رئیس دایره نوشت

سر دار معظم - بلی اشتباه قلمی شده است اصلاح میشود

آقای شیخ یحیی - بفرستند بنده بهتر است رئیس اداره پرسنل بر حسب حکم اهل بی حضرت مابونی منصوب شوند

حاج شیخ اسدالله - اینجا یک سهوی مخابراتی شده است و تصور میکنم باید اصلاح شود باید نوشته شود رئیس دایره پرسنل و ملزومات وزارت مالبه بر حسب حکم وزیر مالبه منصوب می شود و اینجا (می شوند) نوشته شده

سر دار معظم - از برای اینکه بواسطه یک سهوی عبارت اینقدر خود را معطل نکنند عین ماده را میخوانم

ماده پنجم - رئیس دایره پرسنل و ملزومات وزارت مالبه بر حسب حکم وزیر مالبه منصوب می شود (ماده ششم از لایحه وزیر مضمون ذیل قرائت شد) مدیران دوائر ادارات مذکور بصوب رئیس اداره و حکم وزارت مابونی منصوب میشوند (ماده ششم راپورت کمیسیون)

ماده ششم - روسای دوائر ادارات مذکور به پیشنهاد رئیس اداره و حکم وزارت مابونی منصوب می شوند

عادل الملک - وقتیکه مذاکرات در کلیات میشد اداره وصول و جمع را میخواستند از هم مجزی باشند و تقاضا میکردند کفایت اخذ از خزانة داری یک اداره جمعی تأسیس بشود آن پیشنهاد را بنده عملی نمیدانستم برای اینکه مأمورین وصول امنای مالبه هستند که در ولایات فرستاده می شوند و در تحت ریاست مستقیم کسی هستند که علت ناسبه آنها است یعنی کسی که آنها را نصب کرده است در این ماده مینویسد روسای دوائر و ادارات مذکور به پیشنهاد رئیس اداره تعیین می شوند اگر این طور باشد باید مأمورین وصول در تحت اداره متبع خودشان واقع بشوند و معلوم نیست آنها در تحت ریاست کدام اداره و عزل و نصب آنها با کی خواهد بود این مسئله است که اغلب ممالک از آن ناشی شده است بنده گمان میکنم برای نصب مدیرهای دوائر و ادارات خوب است قدری زیادتر توسعه داده شود که در تحت ریاست آنکسکه او را تعیین میکنند باشد مخصوصاً مأمورین وصول در تحت نفوذ آنکسکه بقرارداد امین امین است

سر دار معظم - اینکجه میفرمایند معلوم نشده است مأمورین وصول جزو کدام اداره هستند و عزل و نصب آنها چه نحو خواهد بود و در اینجا مقصود از ماده ششم روسای دوائر ادارات مرکزی است که در فوق ذکر شده است ممکن است دوائر و وست و یک دوائر کوچک داشته باشند آنوقت باید بگوئیم که رئیس اداره کل حق دارد هر کس را که دلش میخواهد بپسواند ریاست دوائر منصوب کند در این صورت بملاحظه اینکه مبادا زیاد تر از آنچه کلانتر است اختیارات داده شده باشد در ضمن تعیین روسای دوائر و ادارات نظر رئیس اداره محدود شده باشد و از طرف دیگر چنانچه در تمام عالم معمول است باید رئیس اداره اینقدر حاسق دخالت در تعیین رؤس خود داشته باشد

لذا مقید باین فید کردیم که رئیس اداره بوزیر مالبه پیشنهاد بکند یعنی نظر رئیس شرط باشد و رؤسای دوائر بانظر او بر حسب حکم وزیر مالبه منصوب شوند وزارت مالبه هم بتواند پیشنهاد او را تصویب نکند و رد نماید از این جهت بنده تصور میکنم که آقای عادل الملک هر چه به نظرشان میرسد بفرمایند ولی در کمیسیون هر چه فکر کردیم راهی بهتر از این پیدا نشد مگر اینکه بگوئیم روسای دوائر هم با دستخط و فرمان های مابونی تعیین شوند رئیس یک اداره جزئی را مقاماً بوزیر یک اداره در عرض هم فرض کنیم و البته این ترتیب هم صحیح نیست و البته در آن صورت بآقای عادل الملک زیادتر خواهد شد

حاج امیر نظام - عرض بنده اینست اگر در موضوع اول بخواهیم صحبت بکنیم اینجایش اینجا نیست در موقع خودش مذاکره خواهد شد ولی مضر نمی دانم لفظی را که می گفتند نوشته شود

عادل الدوله - باید خاطر آقایان را متذکر شوم که ما حالا راجع به تشکیلات مرکزی مذاکره میکنیم و هیچ ذکر وصول و ایصال در آنها نیست مأمورین وصول که پیشکاران مالبه که معصیان مالبه باشند در

تشکیلات ولایات ذکر میشود و مسلم است اجزای جزء را رئیس پیشنهاد میکند ولیکن چون رئیس را وزیر انتخاب میکنند بوجوب فرمان های مابونی و تصویب وزیر انتخاب شود و همان رئیس چون مسئولیت دارد اجزای را که با خود میرسد بوزیر مالبه پیشنهاد میکند و وزیر حکم میدهد و همان اجزاء جزء در تحت ریاست وزیر مالبه خواهند بود منتها بواسطه و این یک ترتیب اداری است که میشود از آن تجاوز کرد زیرا که استخدام یک ترتیبی دارد و باید رؤسای کل ادارات اجزاء جزئی را کلانتر دارند بوزیر پیشنهاد کنند و وزیر حکم میدهد که ترتیب اداره مرتب باشد و الا اجزاء جزء یک اداره را نمیتواند در حکم رؤسای کل فرض کرد زیرا مسئولیت را از کسی نمیتوان خواست که در صلاحیت اجزاء خود نظارش مدخلت داشته باشد و بتواند بگوید صلاح کار خود را در این می بینم که این آمده باشد و تصور میکنم موافق ترتیب اداره مرتب نوشته شده است و حالا هم راجع وصول مالیات مذاکره نمیکند وقتیکه باین موضوع رسیدیم نظریات خودمان را خواهیم گفت

عادل الملک - اینجا دو تا مقدمه شد آنطور که آقای مخبر فرمودند مقصود این بوده مادمه کردند که رئیس ادارات مرکزی مقصود است بسیار خوب ممکن است از این مطلب در مذاکره امساک می کنیم ولی باعطف نظر بماده (۷۱) دارای مفاد است اینکه می فرمایند که این مطلب از مطالب اداری ولایه الزامی است عرض میکنم اگر در نظر داشته باشید تمام شکایات برای این بود که مأمورین خارج متصدیان بسیار خوب بنده هم باین مسئله متقدم بشدم و البته در موقع تشکیلات ولایات مذاکره خواهد شد

مخبر - برای مزید اطلاع خاطر آقای عادل الملک تکرار میکنم که این قانون راجع بر مرکز است مربوط به ولایات نیست این ماده شش را که فرمودند رای دولت است و ممکن است همین طور قبول کنیم و لفظ (مرکزی) به این ماده اضافه شود

نایب رئیس - آقای آصف الممالک پیشنهادی کرده اند قرائت میشود (مضمون ذیل قرائت شد)

پیشنهاد میکنم اینطور نوشته شود رؤسای دوائر و ادارات مذکور در این ماده شش را که فرمودند رای دولت است و ممکن است همین طور قبول کنیم و لفظ (مرکزی) به این ماده اضافه شود

ماده هفتم - دایره وزارت مابونی و یا مدیر کل وزارتخانه و کابینه وزیر

سلیمان میرزا - بنده از این مدیر کل مقصود کمیسیون را هنوز نتوانستم استنباط کنم زیرا که اگر در ماده اول ملاحظه فرمایند می بینند که مدیر کل معین شده مدیر کل محصل اداره تشخص مدیر کل خزانة داری مدیر کل محاسبات در اینجا که نوشته است مدیر کل وزارتخانه یعنی چه؟ بملاحظه بنده هیچ تصور نمیکند این طور صحیح باشد زیرا وزارت

خانه باید مجبوراً معاون داشته باشد و بوجوب قانون اساسی وزیر یا معاونش باید در مجلس حاضر شوند در مقابل سؤال یا استیضاح و کلاً جواب بدهند مدیر کل را مجلس نمیشناسد ممکن است یک وزیر همیشه خودش باید بمجلس ولی اگر حاضر نشود باید حتماً معاون داشته باشد اگر معاون نداشته باشد نمیتواند مطابق قانون اساسی مدیر کل را بمجلس بفرستد در این صورت بنده تصور میکنم مدیر کل در اینجا موقع نداشته باشد بملاحظه این مدیر کل وقتی که مدیر کل است در عداد آن سه مدیر کل است هیچ مزیت و برتری ندارد اما اگر معاون بود البته مزیت داشت بنظر بنده این لفظ مدیر کل اینجا موقع ندارد

مخبر - اولاً شاهزاده تصدیق میفرمایند در وقتی که قانون میگردد تعیین آتی نمی نایند این مدیر کل هم در عرض یک نفر مدیر کل خوانده شده است و همین جهت میخواستیم که اسم مطلق رئیس بنویسیم و حق میخواستیم که مدیر دایره پرسنل را تغییر بدهیم و بنویسیم رئیس اداره پرسنل و به نظر خود وزیر را گذار کنیم که هر وقت برای هر کس میداند معین کند

اما اینکه قانون اساسی را مثل آورده اند بنده خیال میکنم مربوط باین مسئله نیست قانون اساسی راجع باین است که چه شخصی حق دارند بمجلس وارد شوند در این ماده هیچک از آن ترتیبات سلب نشده است از طرف دیگر وقتی که قانون نوشته میشود حتی الامکان باید طوری نوشته شود که دایره اش بلی تک نباشد و بالاخره کسیکه وزیر یک وزارتخانه است خیالاتش بی جهت محدود نشود چنانچه در ضمن عمل هم بدینم در بعضی مواقع که حالا میخواهم اسم ببرم در وزارت اوقاف در عرض معاون مدیر محصل بود و هیچ هم مقید نبودند که مدیر کل بمجلس بیاید مسلم است مدیر کل هیچ وقت بمجلس نمی آید خود وزیر حاضر میشود منتها این است که مدیر کل از یک اشخاصیکه اطلاعاتشان زیاد تر است انتخاب میکنند و کار های اداری را اداره میکنند حالا اینجا اگر بر حسب نظر شاهزاده بنویسیم آنوقت یک وزیر میدانست عرض یک معاون که حالا مصطلح است یک مدیر کل که از کار های اداری مطلع و آگاه است بنویسیم و میگفت برای کارهای داخلی یک کمیته آدمی را لازم داریم چنانچه در وزارت جنگ و وزارت داخله و در وزارتخانه های دیگر هم گاهی اینطور بود چون بعضی وزراء هستند که شاید لازم میدانند معاون داشته باشند برای اینکه وزیر مختار باشد که اگر بخواهد معاون معین کند و اگر لازم بداند عرض او مدیر کل معین نماید این طور نوشته شده الا این مسئله در قانون اساسی صریح است و مدیر کل نمیتواند بمجلس بیاید اگر چه در کار اداری کاملاً با اطلاع و بصیر باشد در این صورت کمیسیون لازم داشت در قانون این اختیار را به وزیر بدهد اگر مقتضی دانست مدیر کل داشته باشد و الا اگر او را مکلف میکردند هر دو را داشته باشد یعنی هم معاون و هم مدیر کل یک اشکال اقتصادی وارد میشد و برای یاد آوری شاهزاده عرض میکنم که در قانون تشکیلات وزارت معارف

برعکس کلمه معاون هیچ نیست و در آنجا مدیر کل نوشته شده است

سلیمان میرزا - آقای مخبر محترم وقت در عرض بنده فرمودند و الا خود خان راجحتم ندانند بنده هم بی اطلاع نیستم که بعضی از وزارتخانه ها معاون ندارد بلی بعضی از وزارتخانه ها مدیر کل دارد یکی از آنها وزارت داخله است که عرض یکی ۳ مدیر کل دارد بلی این فکر را کردند که با یک در تشکیلات وزارت داخله معاون نداشته باشد بملاحظه این در تحت نیست و معجز شدند که هم مدیر کل داشته باشند هم معاون یا این عبارت نارواست یا بنده منقذ نمیشوم وقتی که اینجا مینویسند اداره کل تشخص عایدات آنوقت طبیعتاً مدیر آنهم مدیر کل خواهد بود

وقتیکه می نویسد اداره کل خزانة داری طبیعتاً مدیرش مدیر کل خزانة داری خواهد بود اگر آقای مخبر یا کمیسیون نظرشان بر این است که برای وزارتخانه مدیر بنویسند و اسم آنرا مدیر محصل بگذارند پس خوب بود اعطف بفرمایند لفت کل را از تمام این ۴ فقره حذف نمایند و بنویسند اداره مسکوکات و خالصجات اداره خزانة داری اداره محاسبات مالبه و الا وقتی که کلمه کل همراهش بود طبیعتاً مدیر آن اداره مدیر کل خواهد بود و الا بنده هم چنان از تشکیلات مالبه بی اطلاع نیستم و برای اینکه بیشتر زحمت ندهم عرض میکنم که کلمه کل را حذف کنند

مخبر - فقط عرض میکنم عبارت و سا است باقیش را عرض نمیکند

نایب رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله فرمایشی دارید؟

حاج شیخ اسدالله - بنده تصور میکنم که شاهزاده در اینجا اشتباهی کرده اند اولاً همان قسمی که آقای مخبر فرمودند لفظ مدیر کل در آن ادارات نبوده حالا بر فرض که باشد منافی نیست با این مدیر کل یعنی مضاف الیه این را باید به بنده ۳ چیز است مثلاً می نویسد مدیر کل اداره تشخص عایدات ریاستش نسبت بهان اداره است و همچنین راجع به اداره خزانة و مدیر محصل محاسبات مضاف الیه آنها خزانة و محاسبات است وقتی که بطور اطلاق و بدون مضاف الیه گفته شد مدیر کل فوق آن مراتب خواهد بود ولی در سایر ادارات لفظ کل را معهود میکنند مضاف الیه آن ها که اداره محاسبات باشد یا اداره تشخص عایدات باشد یا اداره خزانة باشد ولی وقتیکه بطور اطلاق گفته شد بگفته فوق آن مراتب خواهد بود و معلا هم که معین است مثل اینکه حضرت والا می فرمایند در وزارت داخله چند مدیر کل دارد مدیر کل جنوب مدیر کل شمال مدیر کل غرب و یک مدیر کل هم دارد که دیگر اختیاراتش محدود نیست و مرتبه اش فوق آنست و بملاحظه تصور میکنم آنقدر مذاکره کردن در یک لفظی اهمیت ندارد و همین قسمی که در اینجا نوشته شده است معاون یا مدیر کل خیلی خوب است بجهت اینکه برای یک وزارتخانه یک مدیری بیاک معانوی لازمست و همین قسمی که فرمودند مقررین به اقتصاد است و منافی با هیچ چیز نیست و همین طور که اینجا نوشته شده است یعنی یکی از آنها باشد

مهمتر است و هیچ وزیری هم مجبور نیست معاون داشته باشد می فرمایند قانون اساسی تصریح دارد که معاون برای سؤال و جواب در پارلمان حاضر می شود دوست است لیکن باید تصدیق فرمایند تشکیلاتی در ضمن قانون اساسی نوشته نشده است هر وزارت خانه که معاون نداشته باشد عرض وزیر بمجلس میاید و اگر معاون نداشته باشد خود وزیر مجبور است برای سؤال و جواب در مجلس حاضر شود مدیر کل هم یک اختیاراتی دارد غیر از اختیارات معاون و تشکیلات او هم از تشکیلات معاون است

نایب رئیس - مذاکرات گویا کافی است؟ ماده هشتم قرائت میشود

(ماده مزبور از لایحه وزیر به مضمون ذیل قرائت شد)

ماده (۸) - اصول وظایف وزیر مالبه از قرار ذیل است

(۱) - نظارت در اجراء قوانین و نظامنامه های مالبه خزانة داری و مرابرت در عمل کردن بوظایفی که برای هر یک از ادارات و تأسیسات مالبه معین گردیده است

(۲) - پیگیری از تجاوزات و تفریط مالبه مملکت

(۳) - امضای کلیه حوالجات مستقیم و اعتباری

(۴) - تهیه لایحه بودجه ولایه تفریح بودجه برای تقدیم مجلس شورای ملی

(۵) - تهیه لوائح قانونی راجع بمالبه مملکت و ترتیب نظامنامه های لازم

(۶) - امضاء قراردادها و امتیازنامه ها و کتیرات هاراجع بمالبه مملکت در حدود مقرر قانون

(۷) - جلب مأمورین وزارت مالبه بمعکله اداری بواسطه تصدیقات اداری

(۸) - انعقاد مجلس مشاوره عالی برای معاکمه مأمورین مالبه و امضاء معاکمات مالبه

(۹) - اجراء راپورت های معکله مالبه و مجلس مشاوره عالی و پس از امضای راپورت های مذکور

(ماده هشتم از راپورت کمیسیون بنده مضمون ذیل قرائت شد)

ماده ۸ - اصول وظایف وزیر مالبه از قرار ذیل است

(۱) - نظارت در اجرای قوانین و نظامنامه های مالبه و اداری که مرابرت در ایفاء بوظایفی که برای هر یک از ادارات و تأسیسات مالبه معین گردیده است

(۲) - جلوگیری از تجاوزات و تفریط مالبه مملکت

(۳) - امضاء کلیه حوالجات مستقیم و اعتباری

(۴) - تهیه لایحه بودجه کل و لایحه تفریح بودجه برای تقدیم مجلس شورای ملی

(۵) - تهیه لوائح قانونی راجع بمالبه مملکت و ترتیب نظامنامه های لازم

(۶) - تصویب قراردادها و امتیازنامه ها و کتیرات ها راجع بمالبه مملکت در حدود مقرر قانون

(۷) - جلب مأمورین وزارت مالبه بمعکله اداری بواسطه تصدیقات اداری

(۸) - انعقاد مجلس مشاوره عالی برای معاکمه

مأمورین مالی و اعضاء محاکمات مالی (۹) - اجرای رایورتهای محکمه مالی و مجلس مشاوره عالی پس از امضای رایورتهای مذکوره

نایب رئیس - در جزء اول ماده هشتم محاللی هست؟ (اظهاری نشد) (جزء دوم قرائت شد)

نایب رئیس - در جزء دوم مخالفی هست؟ (جزء سوم قرائت شد) **آقای سیدفاضل** - چون حوالجات مستقیم و اعتباری که وزیر مالی باید امضا کند بعد از تصویب تصدیق کمیسیون تطبیق حوالجات است خوب است این عبارت اضافه شود (امضاء کلیه حوالجات مستقیم اعتباری بعد از تصدیق کمیسیون تطبیق)

حاج عز الممالک - به عقیده بنده هر جزئیات را نباید در قانون نوشت اعضاء حوالجات مستقیم اعتباری بعد از تصدیق کمیسیون تطبیق هیچ لزومی ندارد والا چه طور باید آن حوالله نوشته شود یا حواله چه شکل باشد پس تمام آن ها را باید ما در این ماده بنویسیم در اینجا فقط بوزیر حق میبیم یعنی غیر از وزیر کسی نمیتواند حواله را امضا کند البته باید این قانون بصورت کلی این حق را به وزیر بدهد و چه شکل حواله صادر میشود و درجات قانونی را چه طور باید طی کند تا پرداخته شود همین قانون معین خواهد شد

مخبر - استدعا میکنم آقا ماده (۴۵) را مطالعه فرمایند

حاج شیخ اسدالله - بنی وظایف وزیر را در ضمن فقرات چند گفته این قانون معین کرده و بعد از تصویب این قانون حدود اختیارات وزیر معین است که در اینجا نوشته شده دیگر هیچ اختیاراتی ندارد بعد در ضمن تشکیلات یک اداراتی هم دارد که در اینجا نوشته شده و تاسیس میشود که آنها هم یک اختیاراتی دارند اختیارات و وظایف آنها هم در ضمن همان فقراتی که خوانده میشود معین می گردد لیکن یک فقره است که بنده به آن خیلی اهمیت میدهم در ضمن هیچ چیز از این تشکیلات و ادارات آنرا ذکر نکرده و آن اعضاء مراسلات است که از وزارت خانه صادر می شود مثلا مکاتباتی از ولایات یا مرکز به وزارت خانه می رسد اینجا می نویسد وظیفه وزیر فقط اعضاء کلیه حوالجات مستقیم و اعتباری است پس مراسلاتی که از وزارتخانه ها صادر میشود کسی باید امضا کند وزیر امضا میکند یا اختیارات با ادارات میدهد که خود آن ادارات مستقیماً آنها را امضا کند و از وزارتخانه خارج شود اگر اختیارات متفرق این است که بنده هیچ وجهی بنظر منباید این عبارت که در اینجا نوشته شده یک قدری توسعه داده و این صورت نوشته شود (امضاء کلیه حوالجات مستقیم و اعتباری و کلیه احکام صادره که متضمن زیاده و تقصیر در جمع یا خرج دولت باشد) اگر این عبارت اضافه شود آنوقت آن اشکالی که بنظر بنده میباشد رفع میشود هم ادارات یک اختیاراتی خودشان دارند در مراسلات در غیر از فقره زیاده و نقصان عایدات هم وزیر راجع به زیاده و تقصیر هم وقتی که از یک اداره جوابی بیاید نظر راجع به آن میدهد مسبقاً مطلع میشود اینجا بنده خیلی اهمیت میدهم حالا دیگر راجع بنظریات آقای مخبر است میخواهند قبول فرمایند نمیخواهند رد میکنند **سر دارموظف** - یک قسمتی از فرمایشات آقای حاج شیخ اسدالله راجع بوظیفه تازه بود که برای وزیر معین فرمودند خوب بوظیفه وزیر مالی را قبلاً شیر میکردند که او هم نظریات خودش را بگوید پس از آن پیشنهاد میکردند اگر مجلس قابل توجه میداند راجع میشد بکمیسیون قوانین مالی و الا اینجا حرف در این است که آیا حوالجات که راجع به کمیسیون تطبیق حوالجات است آنرا وزیر باید

سید فاضل موافقت که در متمم این قست این عبارت را بنویسند یعنی این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام نمایند

(عده قبلی قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب نشد پیشنهاد آقای حاج شیخ اسدالله قرائت میشود

به مضمون ذیل قرائت شد

بنده پیشنهاد میکنم که این عبارت اضافه شود و کلیه احکام صادره از ادارات و وزارت مالی که متضمن زیاده و تقصیر در جمع یا خرج دولت باشد

نایب رئیس - آقایانیکه این پیشنهاد آقای حاج شیخ اسدالله را قابل توجه میدانند قیام نمایند

حاج شیخ اسدالله - عرض دارم

نایب رئیس - توضیحی دارید بفرمایید

حاج شیخ اسدالله - آقای مخبر فرمودند که این مسئله راجع باین ماده نیست بنده در همین فقره اشکال دارم و عرض میکنم این فقره ناقص است بنی امضای حوالجات مستقیم و اعتباری را باید وزیر بکنند و امضای وزیر منحصر باین رشته نیست بلکه باید امضای دیگر هم بکنند که آن راجع باشد به زیاده و تقصیر که راجع به عایدات دولت پیش خواهد آمد و اگر هر آینه اینجا این مطلب ذکر شود آنوقت اختیارات و زیر مطابق این تشکیلات معدوم میشود و حق امضای آن

نوشجات را ندارد برای اینکه آن ادارات را این قانون مستقل کرده است و نوشجاتی که بوزارتخانه میاید با اداره میروند و خودش باید آن کار را صورت بدهد دیگر بنظر وزیر نباید برسد راجع به نظامنامه داخلی هم نیست این مطلب یک مطلب اساسی است هر چیزی که راجع به زیاده و تقصیر عایدات دولت باشد باید امضای وزیر باشد نظامنامه داخلی چیز های دیگر را باید مرتب کند نظامات داخلی را باید معین کند نه مطلب اساسی را بنده اینجا خیلی اهمیت میدهم و باید نوشجاتی که از ادارات صادر میشود و راجع به زیاده و تقصیر خرج دولت است آنرا به بیند و مسبقاً باشد و امضا کند تا آنکه یک اداره خودش سر خود یک عایدی بریک محلی جمع نکند و یک تقصیر بیوقوع بی محل ندهند و اگر این اختیار را بوزیر ندهیم آن اداره مستقل خواهد شد و وزیر خودش مطلع نخواهد شد و عرض میکنم که بنده باین مطلب خیلی اهمیت میدهم و وزیر باید در اینگونه امور مسبقاً باشد

نایب رئیس - آقای مؤید الاسلام مخالفی دارید؟

مؤید الاسلام - مخالف بودم ولی توضیح

آقای مخبر قانع شد

آقای سید فاضل - بنده عرض میکنم اینکه میفرمایند تمام جزئیات را در قانون نمیتوان ذکر کرد هر مطلبی جزئی نیست و جزئیات مختلف است و بعضی از آنها خیلی مهم است که درجه اهمیتش از کلیات هم میگردد مثل همین ماده در اینجا مخبر فرمودند بماده (۴۵) رجوع شود باین ماده رجوع شده است کما اینکه در وظایف کمیسیون تطبیق حوالجات ترتیب قبلیت و مراعات نموده است و می گوید تصدیق آنها قبل از رسیدن بامضای وزیر است در این ماده هم بنده تصور میکنم بدین را باید ملاحظه بکنند باین معنی که امضاء وزیر بعد از تصدیق و تصویب کمیسیون نوشته شود

عادل الممالک - بنده عرض میکنم یک قانون که دارای مواد متعدد است در هر جزء آن میشود تمام جزئیات آن بند را ذکر کرد وقتی که قانون را نگاه میکنند مواد مکتونه آنرا هم باید ملاحظه کنند

اینکه اینجا فلان را اضافه کنند و آنجا را تقصیر را زیاد کنند لازم نیست هر قانونی همانطوریکه شرط قانون گذاری است باید دارای مواد و بندهانی باشد که مثل زنجیر مطالب را بهم ربط بدهد و این جزئیات لازم نیست در قانون نوشته شود

نایب رئیس - گویا آقایان مذاکره را کالی میدانند آقای سید فاضل پیشنهادی کرده اند قرائت می شود

(به مضمون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم این عبارت ملحق شود (بعد از تصدیق کمیسیون تطبیق)

نایب رئیس - آقای مخبر تصویب میکنند؟

مخبر - رأی بگیری

نایب رئیس - آقایانیکه باین پیشنهاد آقای

وزیر مالی چون مسئول وزارتخانه خودش است و قبول کردن باید دارای اختیاری باشد و یکی از مسائل معلوم اختیار داشتن وزیر مالی مسئول البته حق نظر داشتن در کلیه ادارات مالی است که در تحت ریاست مستقیم او قرار داده اند و حق ریاست هم لازم است داشتن حق امضا است اینها یک مسائل واضحی است که لازم به توضیح نیست و این قبیل مطالب در نظام نامه داخلی است و باین جهت بنده عرض میکنم و تکرار میکنم که اینطور نیست که آقای حاج شیخ اسدالله بفرمایند

نایب رئیس - پیشنهاد قرائت می شود

رای میکنیم

(مجدداً قرائت شد)

نایب رئیس - مذاکرات گویا کافی باشد

آقای حاج شیخ اسدالله توضیح دادند آقای مخبر هم جواب دادند آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام نمایند

(عده قبلی قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب نشد جزء چهارم از ماده هشتم قرائت میشود

(مجدداً قرائت شد)

عادل الممالک بنده عرض می کنم مسئولیت ها در موارد مختلفه نوشته شده در دوادهم در فقره دوم تهیه و تنظیم بوده و لایحه و تقریر بودجه را اداره محاسبات معین کرده است در این فقره تهیه لایحه بودجه را به عهده وزیر تشخیص داده اند و این ترتیب تکلیف در مسئولیت می کند و اسباب زحمتی میشود بنده گمان میکنم برای اینکه محاسبات کاملاً موزن تهیه بودجه میباشد باید در اینجا نوشته شود مراقبت در امر بودجه که مسئولیت بین وزیر و اداره محاسبات مشترک نباشد و اسباب زحمتی نشود

حاج عز الممالک - بودجه کی نوشته شده است برای اینکه بودجه تمام وزارتخانه ها باید در وزارت مالی جمع شود و بودجه عایدات را هم وزیر مالی تنظیم میکند و تقدیم مجلس شورای ملی نماید منتها خود وزیر مالی البته شخصاً نمیتواند تصدیق این امر بشود در یک اداره این امر صورت بگیرد آن اداره چه اداره است البته باید ما در وظایف یکی از ادارات بنویسیم این است که با اداره محاسبات کن تقویض شده است که تنظیم بودجه مخصوص اداره محاسبات باشد تهیه بودجه کل یکی از وظایف عهده وزیر است که توسط آن اداره تهیه خواهد شد

حاج شیخ اسدالله - اینجا می فرمایند که تهیه بودجه و با لایحه تقریح بودجه از وظایف وزیر است و آن وقت می فرمایند وزیر خودش تهیه نمی کند و راجع میکند با اداره محاسبات میفرماید آقایان را متذکر کنم که این ماده وظایف وزیر را معین میکند ضمن وظایف تهیه بودجه نیست شخص وزیر باید مراقبت بکند اگر می فرمایند بوزیر مسئول است بنی وزیر مسئول عملیات تمام این ادارات است پس وظایفی که برای اداره تشخیص عایدات می نویسد آنرا هم از وظایف خود وزیر بنویسد وظایف دیگری هم که از اداره محاسبات معین کرده اند آنرا هم جزء وظایف خود وزیر بنویسد اینجا خیلی اشتباه شده است در اداره محاسبات شخص رئیس مسئول است که تهیه لایحه بودجه را معالی نیست بوزیر و وظیفه اش مراقبت کردن است در عملیات

آنجا است این است که همین قسمیکه فرمودند باید اصلاح بشود نوشته بشود (مراقبت کردن در تهیه لایحه بودجه و تقدیم بکمیسیون از وظایف وزارت است) اگر این قسم اصلاح بشود درست میشود

محمدهاشم میرزا - عرض میکنم اشکالی که آقای عدل الممالک فرمودند که چرا مسئولیت را بسو نفر بدهیم آن وقت مسئولیت مشترک میشود اسباب اشکال میشود بنده خاطر ایشان را یادآوری میکنم که مسئول مجلس وزیر است و رئیس آن اداره در عرض وزیر نیست در طول وزیر است و البته در تحت ریاست وزیر است و معلوم هست خود وزیر مباشرت در تهیه بودجه نمی نماید و مباشرت این کار بآن شخص خواهد بود در این صورت اضافه این ضمیمه ازومی ندارد زیرا این دو نفر در عرض هم نیستند

نایب رئیس - جزء پنجم قرائت میشود

حاج شیخ اسدالله بنده پیشنهاد دارم که فقط مراقبت در اینجا زیاد شود خوب است قرائت شود (بمضمون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم که لفظ مراقبت زیاد شود

مخبر - برای اصلاح آقایان ماده هشتم قانون محاسبات عمومی را میخوانم

ماده هشتم - همه ساله هر روزی باید بودجه معارج وزارتخانه خود را برای سه آتیه حاضر نموده در ظرف ۳ ماه اول سال بوزارت مالی بدهد

چنانچه ملاحظه میفرمایند تهیه بودجه را از وظایف وزیر بنویسد ولی مسئول او وزیر مالی است که در مواد بعد خواهد آمد وزیر مالی مکلف و مسئول تهیه بودجه کل مملکت است اگر در این قانون تشکیلات مالی پت و طبقه برای وزیر دیگری که در عرض هم بودند معین میشد آنوقت در آن اشتراک مسئولیت پیدا میشد ما در ضمن این قانون وظایف وزیر را معین میکنیم و میگوئیم مکلف است به تهیه بودجه مراقبت در آن حالا فرق نمی کند چه خودش تنها به شیفه و بودجه را بنویسد چه با اداره محاسبات رجوع کند مقام مقتضه خود وزیر را مسئول تهیه بودجه میدانند ولی برای اینکه معلوم شود در وزارت مالی کدام اداره صلاحیت دارد که مراقبت در امر بودجه بنماید یعنی بتواند در عملیات بودجه مراجعه کنند در قانون اداره محاسبات معین شده است اگر درست دقت بفرمایند در اینجا بنویسد تهیه بودجه فرق است مابین تهیه بودجه با لایحه بودجه آن عملیات را اداره محاسبات کل می کند ولی بودجه کل را خود وزیر تهیه کرده به مجلس تقدیم میکند این جهت بنده عرض میکنم این مسئولیت را کوچکتر و سست تر تصور نفرمایند و بقیه بنده خوب است در قانون بهر صورت صراحت تهیه بودجه کل یکی از وظایف مختصه وزیر باشد

نایب رئیس - مذاکرات گویا کافی باشد

آقایانیکه این پیشنهاد آقای حاج شیخ اسدالله را قابل توجه میدانند قیام نمایند

(عده قبلی قیام نمودند)

نایب رئیس - قابل توجه نشد - در جزء پنجم از ماده هشتم مخالفی نیست؟ (اظهاری نشد)

مخالفی نیست جزء ششم از ماده هشتم قرائت میشود

باشد رجوع خواهد کرد اینگونه بوده نیست و مسئله تفریق بودجه نیست که یک اداره معین داشته باشد باین ملاحظه اینمطلب جزوظایف وزیر نوشته شده که بهر اداره از ادارات خودش صلاح میدانند رجوع کند.

نایب رئیس - دیگر مخالفی نیست ؟

حاج شیخ یوسف - معلوم نیست مجلس تصویب کند که وصول مالیات هم بهمه خزانه داری باشد بنده تصور می کنم که در اینجا اکما کنیم و جمه (و دادن آنرا به خزانه برای وصول را حذف کنیم)

سردار معظم - کویا آقا در این فتره وقت فرموده اند این مالیاتهایی که مردم میبندند مالیات هکلی معمولی نیست بنده این قسمت را دوباره میخوانم برای اینکه درست دقت فرمایند میبویسد تعیین عایدات دولت که صاحب جمع مخصوصی نداشته و بموجب امتیازات و قرارداد باید سالی در هزار تومان بهرارت بدهد باید کلا یک اداره معین شود که آن پول را بگیرد بدهد به خزانه داری تصور میکنم عملی تر این باشد که صورت آنرا به خزانه داری بدهند و خودش وصول کند.

نایب رئیس - در باب انعقاد جلسه فردا که عرض کردم آقای شیخ المذنب پیشنهاد کرده اند قرائت میشود.

(بضمون ذیل قرائت شد) پیشنهاد میکنم که جلسه آتی را برور دوشنبه قرار دهند.

سردار معظم - بنده مخصوصاً که مخیر کمسیون قوانین مالیه هستم از حق خودم استفاده میکنم و از آقایان جدا استند میکنم که مخصوصاً قانون تشکیلات مالیه را جزء قوانین هادی تصور فرمایند حتی اگر لازم است چند روزهم پشت سرهم جلسه را منعقد فرمایند و این قانون را زودتر بکنند و بنده خیلی متأسفم که در موقع مذاکره در هر ماده عقاید خود را مکرر اظهار میکنند در صورتی که اگر این قانون محتاج به شور نبود و به همان پشت شور میگذشت باز مطالبی بود بنا براین بنده تقاضا میکنم که در ضمن مباحثات مذاکره روز گذشته را تکرار فرمایند که زودتر این قانون بگذرد

شیخ المذنب - بنده پیشنهاد خود را پس می گیرم.

نایب رئیس - بسیار خوب جلسه فردا ساعت ۳ ساعت بغروب و مذاکرات در بقیه قانون تشکیلات مالیه خواهد بود.

(مجلس یکساعت و نیم از شب گذشته ختم شد)

صورت مشروح مذاکرات روز یکشنبه دهم جمادی الثانیه ۱۳۲۳ جلسه ۲۷

مجلس تقریباً یکساعت قبل از غروب در تحت ریاست آقای مؤدب السلطنه نایب رئیس تشکیل و صورت مجلس روز شنبه هم قرائت شد

فائزین بدون اجازه - آقایان حاج میرزا شمس الدین - حاج امام جمعه - آقا شیخ یحیی حاج شیخ حبیبالله - حاج میرزا فضلعلی آقا - حاج معینالنجار - مؤیدالاسلام

مستصم السلطنه - راجع به پیشنهاد بنده فقط لفظ دقائرت نوشته شده است در صورتیکه مکاتبات را مخصوصاً متذکر شده بودم خوبست اصلاح شود

نایب رئیس - بطور اختصار اشاره شده است دیگر مخالفی نیست (اظهاری نشد) صورت مجلس تصویب شد - بقیه مذاکره در قانون تشکیلات مالیه است چون آقای سردار معظم مخیر کمسیون قوانین مالیه حاضر نبودند آقای معینالدوله برای دادن توضیحات بسمت مخیری معین شده اند - اداره خزانه داری کل ماده یازدهم قرائت میشود (جزء اول ماده مزبوره از رایورت کمسیون بضمون ذیل قرائت شد)

ماده یازدهم - اصول وظائف خزانه داری کلی از قرار ذیل است (۱) جمع آوری و تمرکز تمام عایدات نقدی و حشی دولت و دریافت عایدات ادارات صاحب جمع دولتی و آنچه که بموجب قراردادها و امتیازات بهرارت باید عاید شود

نایب رئیس - در جزع اول مخالفی نیست **آقا سید فاضل** - بنده مخالف بنده سابقاً وقتیکه شورکات قانون تشکیلات مالیه میگذشت حتمی باینماده

حیث این معنی شرکت داشتند که کلیه بعد از اینکه در پروگرام کابینه آقای مشیرالدوله دیدم که حتی الامکان معزز و تجنب شده بود از اینکه قواء و اختیارات در یکجا جمع شود خوبشمنانه از آن تجنب و احتراز همچو میفهمیدم که اداره تشخیس از اداره وصول و اداره وصول از اداره خرج تفکیک خواهد شد خیلی بود میگردیم بعد قانون تشکیلات که از طرف وزیر پیشنهاد شده اداره تشخیس از اداره وصول و خرج باصراحت از وظایف خزانه داری نوشته شده بود و در رایورت کمسیون اداره وصول تحت برده در اداره خزانه داری نوشته شده است حالا بچه ملاحظه بودجه عرض کنم بنده جدا عرض میکنم تمام تفرقات مردم و تمام این احساساتی که بر علیه اداره خزانه بود بواسطه این بود که خزانه بامودیان مالیات صرف بود و تفکیک اداره تشخیس از خزانه علاج اینکار نباشد و باز اداره خزانه بامودیان دولت صرف خواهد بود منتھی

پاکلی اداره وصول از اداره خزانه تفکیک شود باین معنی که خزانه دار صندوق دار باشد مالیات را مؤدیان مالیات بجز از اداره خزانه بدهند و وصول مالیات با اشخاصی که ارتباط با خزانه دارند نباشد خاصه این که در تشکیلات ولایات وزیر می نویسد پیشکاران و امانه مالیه بر حسب پیشنهاد خزانه دار خواهد بود در اینصورت باز قطعاً همانطور خواهد بود و اشکالاتی که در قانون (۲۳) جزوا داشتیم همان اشکالات اختیار امر ما وارد خواهد شد حالا که آقای مخیر نیستند آقای معینالدوله توضیح فرمایند و یکترجمی بوددیان مالیات بکنند و این مسئله را قبول کنند و برگردانند بکمسیون که اداره وصول از خزانه تفکیک شود و خزانه فقط صندوقی باشد پول را امانه مالیه

مساعدت کرده و یک همچو تشکیلاتی داده است که مردم از تمایل مصون بمانند همین طور در پرداخت ملاحظه خواهند فرمود طوری تشخیص شده که بچه حواله را خود خزانه را خواهد پرداخت مگر اینکه باضاه وزیر رسیده باشد یا بنویسد نمی فرمایند یک اداره وصول معین شود و حال آنکه این امر وصول هیچ ربطی به مرکز ندارد بجهت اینکه در مرکز هیچ معامله وصول و ایصال نیست مگر اینکه مجاسه است منها اداره هست که در واقع تشخیص آن مقدار و مبلغی که از مالیات وصول شده میدهد که آن اداره خزانه داری است و وصول و ایصال راجع بولایات است پس از آنکه این لایحه تشکیلات مرکزی گذشت لایحه تشکیلات ولایات خواهد آمد و اختیار با ما هست که در آنجا عبارات مصرحی معین بکنیم این اختیاراتی از ما سبب نکرده است و اختیار در دست ما است پس حالا که در موضوع این ماده صحبت میکنیم بفرمایند آیا اینجانب چیزی دلالت بر این دارد که مأمورین وصول را حکما خزانه داری بفرستند یا خیر اینجا فقط نوشته اند جمع آوری مالیاتها و تمرکز آنها معین است یک کسی باید او را جمع آوری کند یعنی تحویل بکند و بهصرف رساند و چنانچه در فقرات بعد خواهد آمد صورت عایدات را با اداره معینا بدهد و گمان نمیکنم در اینماده هیچ اشکالی باشد ولی اشکال خیلی خیلی آسان است یعنی اگر تصور کنند که یک خزانه داری خواهد بود که مأمور وصول میشود و فلان ضرورت را میکنند و گوش بحرف مضمون نخواهد داد و تعدیات خواهند کرد آن وقت این اشکالات دارا است ولی اینطور نیست و اگر دقت بکنند خواهند فهمید که این ماده درست خیال ایشان را کفایت میکند و قانع خواهند شد و اینطور تصورات نخواهند فرمود و خزانه داری هم پیش از وظیفه خودش که جمع آوری باشد دیگر نظری نخواهد داشت

سلطان اعلیایه - فرمایشات آقای معینالدوله ما را قانع ساخت بجهت اینکه لایحه تشکیلات ولایات که بکمسیون رفته است شاهد است بر اینکه باید خزانه دار مأمورین ولایات را پیشنهاد کند و وزیر در قبول این پیشنهاد خزانه داری یا مجبور است یا مجبور نیست اگر مجبور است همان معظورات اولی که ما قرار میگردیم باقی است اگر مجبور نیست خوب است در اینماده توضیح فرمایند تا ما قانع شویم

منتصر السلطان - اینجادر واقع اشتیاهی فرمودند و الا این ماده که اینجا نوشته شده کاملاً صحیح است و تصریح شده است بجهت اینکه وصول متعلق به تحصیل دارها است و در این ماده اداره مرکزی جمع آوری کل عایدات ذکر شده و هیچ داخل در ایالات ولایات نشده یعنی بچه داخل در وظیفه تحصیلدارها نشده ایم تحصیلدارها همیشه در زیر حکم امنای مالیه هستند که باید از طرف مرکز مأمور شوند و بعد در قانون ولایات و ایالات که در کمسیون قوانین مالیه است نظر بایشان معیوم میشود و باینجلس تقدیم خواهد شد که امنای مالیه و بطش با کدام اداره مرکز باشد و در زیر حکم کدام اداره باشد یا مستقیماً از طرف وزیر یا از طرف یکی از ادارات مرکزی مأمور بشوند و این لایحه هیچ مربوط به وصول از محل نیست البته

تحصیلداران که در تحت حکم امانه مالیه هستند بوجب آن بودجه مصوبه که از مجلس میگردد و بآن دستوریکه از طرف وزیر مالیه بامانه مالیه داده شده است پول را میگیرند و امانه مالیه میدهند و امنای مالیه بهماز وضع اخراجات مصوبه بایستی پول را در یکجا مرکزیت بدهند آن مرکز کجا است خزانه داری است و در پایتخت است باید پول در آنجا جمع شود و بر حسب حواله جات وزیر مالیه یعنی بهماز امضاء و تصدیق آن کمسیون سکه از طرف مجلس شورای ملی انتخاب میشود وزیر هم آن را امضاء میکنند و خزانه داری آنرا میریزد پس این مربوط باین تصورات و توقعاتی که فرمودند نیست و آن فرمایشاتی که میفرمایند منوط به تحصیلداری است که در زیر حکم امانه مالیه ولایات هستند و هنوز قانونش از کمسیون قوانین مالیه نگذشته است شاید فردا مادر کمسیون قوانین مالیه در شور اولش وارد شویم و تقاضا میکنم اگر ایراد و اشکالی دارند در مورد خودش بفرمایند و در این موقع بهتر از اینماده میشود چیز دیگری نوشت **عادل الملک** - عرض کنم که نظریات بجموع قانون است در موقع قانون گذاری فرد فرد مواد قانون را در نظر نمیگیرند تصور میکنم نظریات آقای آقا سید فاضل از آنجا حاصل شده است که ماده ششم تمین رؤسای دوایر را بوجب پیشنهاد رئیس اداره و حکم وزارت تجویز کرده و ماده ۷ تشکیلات ولایات هم که هنوز بمجلس نیا آمده مصرح است که امنای مالیه بر حسب پیشنهاد خزانه داری و بوجب حکم وزارت منصوب میشوند این جمله مقدم و مؤخر آمان میکنم اسباب اضطراب خاطر آقای آقا سید فاضل شده است با اینکه مخیر کمسیون قبول کرد که هرگز با آن جهت بیفزاید اگر کمسیون این مسئله را در نظر بگیرد این اشتباه مرتفع میشود و الا اگر این ماده بصورت نوشته شود این اختلافات باقی خواهد بود بنده هم با آقای آقا سید فاضل موافقم ولی اگر لفظ مرکز اضافه شود بنده اذعان میشوم و گمان میکنم آقای آقا سید فاضل هم قانع شوند که این لفظ را در نظر بگیرند و در ماده ششم اضافه کنند

حاج شیخ محمد حسن گروس - عرض کنم کله جمع آوری خودش مسئله وصول را دربر دارد و اگر مأموریت وصول و تحویلداری و تمرکز تمام عایدات بهمه خزانه داری باشد اگر حقیقتاً بخواهند که عبارتی سریع باشد و ما را قانع کنند در عوض جمع آوری تحویلداری نوشته شود والا جمع آوری را جزء شئونات خزانه داری قرار دهیم و مأموریت وصول هم بهمه او باشد از وظیفه خزانه داری است و باعث ندارد که امر زاید را ضمیمه کنیم و جزو شئونات خزانه داری قرار دهیم

معدل الدوله - آقای حاج شیخ محمد حسن را متذکر میکنم که در اداره خزانه داری یک مأمورین تحویلداری هم است و این اداره تحویلداری باید تقسیمات افساط و ترتیب وصول آنها را بفرستند نزد امنای مالیه و صورت مالیاتها بیکه از بعضی مغیرها وارد میشود داشته باشد که کم و زیاد نشود و آن قسمت هم تحویلدار دارد که تحویل میگردم اگر این کله

را این جا بگذاریم پس در واقع باید قائل شویم که یک اداره دیگری باشد که اسم آن اداره را خزانه داری بگذاریم بنظر دولت و قانون معاملات عمومی باید خزانه دار جمع آوری و وصول وجوه دولت را بکنند اگر باینطوریکه آقا میفرمایند عمل کنیم ما باید برای هر کله و هر افضلی از وظائف برای خزانه داری ادارات متعدده تشکیل بدهیم یک اداره وصول بنویسیم یک اداره خزانه بنویسیم یا شانداره تحویلداری بنویسیم بنده عرض میکنم و از آقایان خواهش میکنم که خزانه دیروزی را درم نظر نگیرند یک خزانه را که موافق مواد معین قانون تشکیلات که مستقیماً در تحت ریاست وزیر مالیه تشکیل میشود در نظر بگیرند و بدانند اگر بخواهند یک تعدی و تجاوزی بکنند حکماً وزیر مالیه آنرا منع خواهد کرد پس در واقع آن خزانه داری بکنی تغییر کرده است و اگر آقایان دقت کنند بخواهی قانع خواهند شد ما که اجرت بدهیم و پول میدهم البته باید کار بکنند جمع آوری کنند تحویلداری بکنند و بپردازند و این فرمایشاتی را که میفرمایند بنده ام از روی چه نظر است

نایب رئیس - آقایان مذاکرات را در فرقه اولی کافی میدانند ؟ (گفته شد خیر) رای میگیریم آقایان یکمذاکرات را در این قسمت کافی میدانند فرمایند

(عده کمتری فرمایند) **نایب رئیس** - تصویب شد آقای آقا سید فاضل پیشنهادی کرد در قرائت میشود

(بضمون ذیل قرائت شد) بنده پیشنهاد میکنم که اداره وصول بکلی از وظایف خزانه داری موضوع شود در مرکز

نایب رئیس - توضیحی دارید بفرمایند **آقا سید فاضل** - بنده تعجب میکنم که بعضی

میگویند اغتیا شده با قانون بلادنامه است آنچه نوشته شده درست است پیشنهاد وزیر بطور صریح مینویسد خوب است آنرا بجهت تئور افکار آقایان عرض کنم تا آنچه را کمسیون در تحت یرده گفته معلوم شود بعد پیشنهاد ایالات را بخواهند تا این که مضت معلوم شود راجع به پیشنهاد میخواهم عرض کنم که باید اداره وصول از خزانه مشروع شود و اینکه میفرمایند اشتباه شده با فلان بنده با قانون بلاد نامه بنده عرض میکنم بقضای قانون تشکیلات بلاد که وزیر پیشنهاد کرده است یک عبارتی مینویسد و لولایکه هنوز به تصویب کمسیون نرسیده ولیکن زمینه را بدست میدهد بجهت اینکه اینجا مینویسد ماده (۷۲) جمع آوری عایدات دولت و وصول مالیات ها مطابق دستورالعمل ها و جزو صیغهای اداره کل عایدات که بتوسط خزانه دار یکلی برای پیشکاران و امنای مالیه فرستاده میشود بر همه پیشکاران و امانه مالیه هست بالاخره معلوم میشود که طرف بامودیان مالیات خزانه دار خواهد بود و بطور غیر مستقیم هم قانونی که وزیر پیشنهاد کرده هم رایورت کمسیون و هم قانون بلاد صراحت در این مسئله دارد و بنده مطالعه کرده ام و مطلب را میگویم و عرضم این است که باید تصریح شود که خزانه دار ما تحویلدار است یادو کار دارد از بلاد مالیات میگیرد یا خیر ما میخواهیم بگویم مالیات را مؤدیان به پیشکار هائیکه از طرف وزیر مالیه معین

میشوند و دستور آنها فرستادند بصندوق مرگ و بجهت جرمه با اظهارات آقای معتمد الدوله قانع هشتم -
نایب رئیس - پیشنهاد در باره قرائت میشود
 رای میگیریم (مجدداً قرائت شد)
معدل الدوله - بنده تصور می کنم که اگر درست ملاحظه بفرمایند در مرکز اداره وصول نیست چند نفر معاسب است که معاسب و جرمه که از ولایات بواسطه پیشکاران مالبه میرسد میکنند و اینکه در مرکز پیشنهاد کرده اند اگر میفرماید بنده مرکز اداره وصول موضوع شود .

آقای سید فاضل - لفظ مرکزش را حذف کنید

معدل الدوله - بنده نمی فهمم یعنی چه یعنی اداره وصول یا هیچ نباشد یعنی مالیات راهیج وصول نکند این چیز خیلی غریبی است موضوع شدن اداره وصول یش چیز تازه است پس آقا بفرمایند پیشکاران مالبه نباشند بنده مکرر عرض کردم که پیشکاران مالبه بموجب فرمان مهابادی و امانه مالبه بموجب حکم وزیر منصوب میشوند و مأمور وصول مالیاتها آنها هستند که وصول میکنند و میفرستند بر آن و در خزانه داری جمع میشود این چیز خیلی آسانی است و مشکل نیست حالا باز آقایانم نشود چه عرض کنم بنده که نمیتوانم قبول کنم رای بگیرم تا معاتب مملوه شود

نایب رئیس - آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام نمایند (کسی قیام نکرد)

نایب رئیس - جرمه دوم ماده یازدهم قرائت میشود (بعضیون ذیل قرائت شد)

۲ - معاملات جاری بانکها و مراعات **نایب رئیس** - آقای حاج شیخ محمد حسن مخالفند

حاج شیخ محمد حسن - ضریقه رای گرفتن را من نفهمیدم در همان جرمه اولی عرض دارم .

نایب رئیس - رای گرفته شد و گذشت **ارباب کیخسرو** - بنده تصور میکنم صلاح باشد که بعد از صرفها جمله (معتبر بنا رعایت صرفه دولت) اضافه شود یعنی اینکه ما بدین واسطه هم منظور اغتیار اینکه با خزانه دار بود و شاید ملاحظه همین دو کلمه ها را نکرده و ما را باین محظورات دچار کرده بنا بر این ضرر ندارد نوشته شود صرفهای معتبر بنا رعایت صرفه دولت

نایب رئیس - جنه اضافه که آقای ارباب کیخسرو پیشنهاد کرده اند قرائت میشود (باین مضمون قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم در فقره دوم از ماده یازدهم بعد از کلمه صرفها مزید شود (معتبر بنا رعایت صرفه دولت) و عبارت آخری فقره دوم این

قسم نوشته شود (معاملات جاری بنا بانکها و صرفهای معتبر بنا رعایت صرفه دولت)
معدل الدوله - چون رعایت صرفه دولت است قبول میکنم که بکمسیون رجوع شود و در آنجا نظرشود

نایب رئیس - دیگر مخالفی نیست ؟ جرمه سوم حذف میشود جرمه چهارم جزو سوم میشود (قسمت مزبور بعضیون ذیل قرائت شد)

۳ - تأدیبه حوالجات مستقیم و اعتباری وزیر مالبه در حدود مقرر قانون

نایب رئیس - مخالفی نیست ؟
حاج شیخ اسدالله - بنده پیشنهادی تقدیم کردم

نایب رئیس - آن پیشنهاد راجع باین جرمه نیست راجع بجرمه پنجم است که حالا جرمه چهارم میشود

در این جرمه مخالفی نیست؟ جرمه پنجم که حالا جرمه چهارم است قرائت میشود . (باین مضمون قرائت شد)

۴ - دادن صورت کلی عایدات مأخوذه بآداره محاسبات کلی

ارباب کیخسرو - بنده یش توضیح از آقای معتمد میخواستم اینجا نوشته شده است دادن صورت کلی عایدات آریا مقصود این است که هر فقره از عایدات را در موقع خود صورت بدهند یا در آخر هر سال صورت کلی عایدات را بدهند اگر مقصود این بوده است که از هر فقره عایدات صورت بدهند این عبارت این معنی را میرساند .

معدل الدوله - مقصود کمیسیون از این ماده این بود که هر ماده از ولایات واز تمام منابع که نول بخرانه دولت میرسد صورتی بآداره محاسبات کلی بدهند برای اینکه اداره محاسبات کلی بتواند حساب سالیانه خودش را مرتب کند بنده تصور نمی کنم لازم باشد این مسئله در این قانون قید شود برای اینکه نظامنامه توضیح این قبیل مطالب را خواهد داد زیرا اگر ما تصریح کنیم مالبه باشد یعنی صورتها هست که محتاج است بر اینکه روزانه یا هفتگی صورت بدهند مثلا اداره تعیین ممکن است هفته ب هفته یا یازده روز یا بیازده روز صورت بدهند یا بعضی صورتها است است از ولایات که ماه به ماه مقاشش میرسد باین عبارت شامل تمام آنها خواهد بود بنابراین تعیین این مسئله و راجع بنظامنامه کرده ایم و قبلیکه نظامنامه خزانه داری بجمعس یعنی کمیسیون قوانین مالبه آمد در این باب تشریح خواهند کرد که کدام عایدات را مالبه صورت خواهند داد و کدام را سالیانه و غیره در این ماده منظور کلی باین بود که اداره محاسبات کلی حتی المقدور از عایداتیکه بخرانه میرسد آگاه باشد

حاج شیخ اسدالله - بنده تصور میکنم این ماده خیلی ناقص باشد دادن صورت از طرف خزانة یک کمیسیون تطبیق حوالجات در هر برج اعمیش بیشتر از این است بنده مطابق این مطلب هم پیشنهادی کرده ام زیرا کمیسیون تطبیق حوالجات بجهت حواله جاتی که از آنجا صادر میشود وجه موجودی در خزانه را باید بداند که زیاده بر آن حواله نمده و همیشه آن وجه موجود در نظر کمیسیون تطبیق حوالجات باشد این است

حاج شیخ اسدالله - بنده تصور میکنم این ماده خیلی ناقص باشد دادن صورت از طرف خزانة یک کمیسیون تطبیق حوالجات در هر برج اعمیش بیشتر از این است بنده مطابق این مطلب هم پیشنهادی کرده ام زیرا کمیسیون تطبیق حوالجات بجهت حواله جاتی که از آنجا صادر میشود وجه موجودی در خزانه را باید بداند که زیاده بر آن حواله نمده و همیشه آن وجه موجود در نظر کمیسیون تطبیق حوالجات باشد این است

حاج شیخ اسدالله - بنده تصور میکنم این ماده خیلی ناقص باشد دادن صورت از طرف خزانة یک کمیسیون تطبیق حوالجات در هر برج اعمیش بیشتر از این است بنده مطابق این مطلب هم پیشنهادی کرده ام زیرا کمیسیون تطبیق حوالجات بجهت حواله جاتی که از آنجا صادر میشود وجه موجودی در خزانه را باید بداند که زیاده بر آن حواله نمده و همیشه آن وجه موجود در نظر کمیسیون تطبیق حوالجات باشد این است

حاج شیخ اسدالله - بنده تصور میکنم این ماده خیلی ناقص باشد دادن صورت از طرف خزانة یک کمیسیون تطبیق حوالجات در هر برج اعمیش بیشتر از این است بنده مطابق این مطلب هم پیشنهادی کرده ام زیرا کمیسیون تطبیق حوالجات بجهت حواله جاتی که از آنجا صادر میشود وجه موجودی در خزانه را باید بداند که زیاده بر آن حواله نمده و همیشه آن وجه موجود در نظر کمیسیون تطبیق حوالجات باشد این است

حاج شیخ اسدالله - بنده تصور میکنم این ماده خیلی ناقص باشد دادن صورت از طرف خزانة یک کمیسیون تطبیق حوالجات در هر برج اعمیش بیشتر از این است بنده مطابق این مطلب هم پیشنهادی کرده ام زیرا کمیسیون تطبیق حوالجات بجهت حواله جاتی که از آنجا صادر میشود وجه موجودی در خزانه را باید بداند که زیاده بر آن حواله نمده و همیشه آن وجه موجود در نظر کمیسیون تطبیق حوالجات باشد این است

حاج شیخ اسدالله - بنده تصور میکنم این ماده خیلی ناقص باشد دادن صورت از طرف خزانة یک کمیسیون تطبیق حوالجات در هر برج اعمیش بیشتر از این است بنده مطابق این مطلب هم پیشنهادی کرده ام زیرا کمیسیون تطبیق حوالجات بجهت حواله جاتی که از آنجا صادر میشود وجه موجودی در خزانه را باید بداند که زیاده بر آن حواله نمده و همیشه آن وجه موجود در نظر کمیسیون تطبیق حوالجات باشد این است

حاج شیخ اسدالله - بنده تصور میکنم این ماده خیلی ناقص باشد دادن صورت از طرف خزانة یک کمیسیون تطبیق حوالجات در هر برج اعمیش بیشتر از این است بنده مطابق این مطلب هم پیشنهادی کرده ام زیرا کمیسیون تطبیق حوالجات بجهت حواله جاتی که از آنجا صادر میشود وجه موجودی در خزانه را باید بداند که زیاده بر آن حواله نمده و همیشه آن وجه موجود در نظر کمیسیون تطبیق حوالجات باشد این است

حاج شیخ اسدالله - بنده تصور میکنم این ماده خیلی ناقص باشد دادن صورت از طرف خزانة یک کمیسیون تطبیق حوالجات در هر برج اعمیش بیشتر از این است بنده مطابق این مطلب هم پیشنهادی کرده ام زیرا کمیسیون تطبیق حوالجات بجهت حواله جاتی که از آنجا صادر میشود وجه موجودی در خزانه را باید بداند که زیاده بر آن حواله نمده و همیشه آن وجه موجود در نظر کمیسیون تطبیق حوالجات باشد این است

میرزا عیسی خان - در این ماده که بنویسد باید خزانه دار کلی صورت عایدات را بآداره محاسبات بدهد در صورتیکه در جرمه سوم تأدیبه حوالجات را از وظایف خزانه دار شمرده ایم معلوم نیست صورت عایدات تنها را باید بدهد یا صورت مخارج را هم باید بدهد اگر فقط صورت عایدات را باید بدهد پس صورت مخارج چه میشود ؟

معدل الدوله - بعضی چیزها در اینجا مذکور شد که بنده در نظر گرفتم یکی بیکر را برای اتمام آقایان جواب عرض کنم یکی مسئله است که آقای میرزا عیسی خان عنوان کردند لازم است عرض کنم صورت حوالجات در اداره محاسبات موجود است و لازم نیست صورت مخارج را خزانه داری بآداره محاسبات کلی بدهد بجهت آنکه هر حواله را ابتدا باید بکمیسیون تطبیق حوالجات یا بوجه ها مطابق کند و بعد وزیر امضاء کند بعد از آنکه کمیسیون تطبیق حوالجات آنرا با بوجه مطابق کرد آنوقت صورت آنرا اداره محاسبات ثبت میکند تا وزیر مالبه آن حواله امضاء کند و بآداره خزانه داری بفرستد پس تصور میکنم که هیچ محتاج باین مطلب نخواهد بود که صورت مخارج را هم بدهد و اینکه آقای حاج شیخ اسدالله فرمودند صورت مأخوذه را ب مقامات مربوطه یعنی کمیسیون تطبیق حوالجات بفرستند بنده میخواهم عرض کنم که کمیسیون تطبیق حوالجات صورت جمع و خرج نیکه بیدار فقط مأموریت او این است که به پیش حواله صادر نشود مگر اینکه مطابق باشد یا بوجه مصوبه مجلس شورای ملی و در این صورت از هیچ ضمانت تأدیبه یا عدم پرداخت نخواهد بود و این وظیفه و طبقه وزیر است که مسؤلیت دارد پس از اینکه این حوالجات مرتب از کمیسیون تطبیق حوالجات بآداره محاسبات رسیده وزارت مالبه چون میداند مطابق چه چیز است مطابق عایدات موجوده بخرانه حواله بدهد و مسئله که آقای ارباب فرمودند بنظر من چندان ضروری ندارد یک تصحیح عبارتی است و عیبی ندارد ولی چنانچه عرض کردم اگر ما در قانون قید کنیم هر ماه صورت بدهد یک عیبی دارد و آن اینست که اگر یک وقتی مخارجی پیدا شود و وزیر بخواهد بفرستد در خزانه چه قدر وجه موجود دارد باید که حق داشته باشد از اداره محاسبات سؤال کند که چقدر پول در خزانه موجود است و این ترتیب برای آنستکه هر وقت آن صورت مطالبه شود خزانه داران صورت را بدهند و نگویند که من بفرام داد یا در آخر هر ۳ ماه یا در آخر هر هفته باید از من مطالبه نمایند نظر باین مصلحت بود که تعیین مدت نشده و منوط بنظامنامه شده است این مسئله را گذاشته اند که در نظامنامه قید کنند .

مختصر رئیس - مذاکرات کافی است (جمعی گفتند کافی است) دو فقره پیشنهاد شده است یکی متعلق با آقای حاج شیخ اسدالله و یکی از طرف آقای ارباب کیخسرو .

حاج شیخ اسدالله - تصور میکنم کمیسیون تطبیق حوالجات وظیفه اش فقط نظارت تنها نباشد و حوالجاتیکه صادر میشود مبنای آن حوالجات همان کمیسیون تطبیق حوالجات و کمیسیون تطبیق

حاج شیخ اسدالله - تصور میکنم کمیسیون تطبیق حوالجات وظیفه اش فقط نظارت تنها نباشد و حوالجاتیکه صادر میشود مبنای آن حوالجات همان کمیسیون تطبیق حوالجات و کمیسیون تطبیق

حاج شیخ اسدالله - تصور میکنم کمیسیون تطبیق حوالجات وظیفه اش فقط نظارت تنها نباشد و حوالجاتیکه صادر میشود مبنای آن حوالجات همان کمیسیون تطبیق حوالجات و کمیسیون تطبیق

حاج شیخ اسدالله - تصور میکنم کمیسیون تطبیق حوالجات وظیفه اش فقط نظارت تنها نباشد و حوالجاتیکه صادر میشود مبنای آن حوالجات همان کمیسیون تطبیق حوالجات و کمیسیون تطبیق

حاج شیخ اسدالله - تصور میکنم کمیسیون تطبیق حوالجات وظیفه اش فقط نظارت تنها نباشد و حوالجاتیکه صادر میشود مبنای آن حوالجات همان کمیسیون تطبیق حوالجات و کمیسیون تطبیق

حاج شیخ اسدالله - تصور میکنم کمیسیون تطبیق حوالجات وظیفه اش فقط نظارت تنها نباشد و حوالجاتیکه صادر میشود مبنای آن حوالجات همان کمیسیون تطبیق حوالجات و کمیسیون تطبیق

حاج شیخ اسدالله - تصور میکنم کمیسیون تطبیق حوالجات وظیفه اش فقط نظارت تنها نباشد و حوالجاتیکه صادر میشود مبنای آن حوالجات همان کمیسیون تطبیق حوالجات و کمیسیون تطبیق

حاج شیخ اسدالله - تصور میکنم کمیسیون تطبیق حوالجات وظیفه اش فقط نظارت تنها نباشد و حوالجاتیکه صادر میشود مبنای آن حوالجات همان کمیسیون تطبیق حوالجات و کمیسیون تطبیق

حاج شیخ اسدالله - تصور میکنم کمیسیون تطبیق حوالجات وظیفه اش فقط نظارت تنها نباشد و حوالجاتیکه صادر میشود مبنای آن حوالجات همان کمیسیون تطبیق حوالجات و کمیسیون تطبیق

حاج شیخ اسدالله - تصور میکنم کمیسیون تطبیق حوالجات وظیفه اش فقط نظارت تنها نباشد و حوالجاتیکه صادر میشود مبنای آن حوالجات همان کمیسیون تطبیق حوالجات و کمیسیون تطبیق

حوالجات اول وجه نقدی خزانه را باید در نظر بگیرد و در هر برج وجه نقدی خزانه را بآداره محاسبات و حوالجاتیکه از کمیسیون تطبیق حوالجات صادر میشود باید زیاد تر از موجودی و اعتبار فوق العاده که در خزانه داری هست نباشد و بعد از آنکه کمیسیون مطابق بآداره محاسبات میرود بعد بامضای وزیر میرسد بعد از آن بآداره خزانه میرود این است که کمیسیون تطبیق حوالجات باید وجه موجودی خزانه را در نظر داشته باشد و بآداره محاسبات وجه نقد در خزانه دولت هست این راجع باین مطلب که میگویند اداره کمیسیون تطبیق حوالجات نباید اطلاع از وجه نقدی خزانه داشته باشد و دیگر اینکه راجع بفرمایش آقای ارباب کیخسرو میفرمایند نوشته شده است که اداره محاسبات باید صورت عایدات جرمه را از امانه مالبه بخواهد این را بنده تصدیق دارم ولیکن خزانه داری را هم باید مکلف کنیم بر اینکه هر ماه صورت حساب و صورت مأخوذه خودش را بآداره محاسبات بدهد که با صورتیکه پیشکاران و امانه مالبه بآداره محاسبات داده اند و همچنین صورتیکه بخرانه داده اند مطابق بیکدیگر پیشکاران مالبه پیش خود یک صورتی نداده باشند

مختصر - آقای حاج شیخ اسدالله راجع به تعیین وظائف کمیسیون تطبیق حوالجات قبل از رسیدن بآداره و وظائف آنرا تعیین میکنند خوب بیان کردند ولی ممکن بود منتظر شوند فردا یا امروز که بآن مواد میرسیم اظهارات خودشان را میفرمودند برای اینکه قبلا خاطر ایشانرا مستحضر کنیم اگر فقرات آن ماده رجوع بفرمایند خواهند دید که در آنجا معین کرده اند که کمیسیون می تواند که هر نوع اطلاعات راجع بعایدات دولتی بآداره بدهد و دیگر لازم نیست صورت عایدات بکمیسیون تطبیق حوالجات داده شود و در اینجا ذکر شود دیگر اینکه راجع بآداره محاسبات فرمودند عرض کردم اداره محاسبات می تواند از ولایات صورت بخواهد و این ربط باین موضوع ندارد بنده عرض میکنم نظر کمیسیون این است که اداره محاسبات هر روز و هر ساعت میتواند صورت از خزانه دار بخواهد و باین نظر است که در اینجا بطور کلی نوشته ایم جزئیات آنرا در نظامنامه قید بکنیم .

نایب رئیس - آقای ارباب کیخسرو پیشنهادی کرده اند قرائت میشود (باین مضمون قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم در فقره چهارم ماده یازدهم در عرض صورت کلی نوشته شود (صورت هر فقره عایدات)

مختصر - بنده این پیشنهاد را قبول میکنم بکمیسیون رجوع فرمائید .

نایب رئیس - همه برای رای گرفتن کافی نیست اگر مخالفی نباشد جلسه برای روز ۳ شنبه ۴ ساعت شروع مانه باشد دستور هم مذاکره برقیه قانون تشکلات مالبه خواهد بود

(مجلس تقریباً نیم ساعت از شب گذشته ختم شد)
جلسه ۲۸

صورت مشروح مجلس روز شنبه یازدهم شهر جمادی الثانیه ۱۳۲۷

مجلس تقریباً نیم ساعت از شب گذشته در تحت

مجلس تقریباً نیم ساعت از شب گذشته در تحت

مجلس تقریباً نیم ساعت از شب گذشته در تحت

ریاست آقای مؤتمن الملک تشکیل گردید
 رئیس - هر چند میبایستی در ابتداء جلسه صورت مجلس خوانده شود ولی چون امروز تعطیل بود و اتفاقاً جلسه فوق العاده پیش آمد و اجاز حاضر نبودند این است که صورت مجلس حاضر نبود که قرائت شود انشاء الله صورت مجلس امروز و جلسه دیروز در جلسه آتی به تواتر قرائت خواهد شد خاطر آقایان مسبق است که آقای مشیر الدوله از ریاست وزراء استعفا نموده اند و اعلیحضرت اقدس همایونی براهبیت نظریات مجلس حضرت والا آقای عین الدوله را ب مقام ریاست وزراء معرفی فرمودند و هر چند ایشان خیلی مایل بودند هیئت وزرای خودشان را ب مجلس بیآورند و معرفی فرمایند ولی بلا حظه اهمیت موقع لازم دیدند که بدو خودشان ب مجلس تشریف آورده معرفی شوند تا اینکه در ظرف دوسه روزه کابینه وزراء را تشکیل نموده ب مجلس معرفی فرمایند چیزیکه خیلی لازم میدانم عرض کنم این است که بایستی ما از حیثیات حریت برستانه ذات اقدس ملوکانه زیاده از اندازه تشکر نماییم که در یش همچو موقع مهم بار یک بصورتیکه شایسته مقام سلطنت عظمی است باین بهران براهبیت قواعد مشروطیت خانه دادند دیروز هم که باهشی برای اظهار نظریات مجلس شرفیاب شده بودیم مخصوصاً میفرمودند که خیلی میل دارم بین من و مجلس موافقت کاملی باشد و کلمه امور بایک موافقتی بگذرد از خداوند خواهیم که بر هر مرتبت و سلامت و دوام و شوکت و جلالت اعلیحضرت اقدس همایونی روز روز بفرزاید

(عموماً گفتند انشاء الله)
رئیس الوزراء - اعلیحضرت اقدس همایونی امروز بنده را بفرح آباد احضار فرمودند و نظر با اکثریتی که در مجلس مقدس نسبت به بنده حاصل شده بود

(جمعی از نمایندگان گفتند اتفاق بود)
 واز آن حسن ظنی که آقایان نمایندگان اظهار فرموده بودند اعلیحضرت اقدس همایونی مقرر فرمودند کابینه را تشکیل بدهم و برای استحضار خاطر نمایندگان محترم امر فرمودند امروز شرح اراده ملوکانه را ب مجلس مقدس ابلاغ نمایم و امیدوارم انشاء الله در مقابل این حسن ظنی که از طرف نمایندگان محترم نسبت ببنده حاصل شده است موفقیت حاصل نمایم و از عهده خدمت کمالاً بر آیم و ضمناً بیک مسئله که خیلی لازم است و ضرورت دارد خاطر نمایندگان محترم را متوجه میکنم و آن مسئله اسکنداس بانک شاهنشاهی است و بخوبی اطلاع دارند که یک فنق واضع برای در مردم موجود است و دولت باید در این باب یک تصمیمی بکند و اسباب آسایش و رفاهیت اهالی را فراهم آورد و برای این مسئله همین است یک لایحه حاضر میکنم و تقاضا می نمایم فردا صبح یک مجلس فوق العاده تشکیل شود و آن لایحه ب مجلس تقدیم شده واز مجلس بگذرد شاید انشاء الله تعالی با موافقت مجلس مقدس اسباب آسایش عمومی فراهم شود

(اغلب تصدیق کردند)
رئیس - تمام آقایان نمایندگان خلوص عقیده که در حضرت والا شاهزاده عین الدوله سراغ

مجلس تقریباً نیم ساعت از شب گذشته در تحت

مجلس تقریباً نیم ساعت از شب گذشته در تحت

مجلس تقریباً نیم ساعت از شب گذشته در تحت

مجلس تقریباً نیم ساعت از شب گذشته در تحت

مجلس تقریباً نیم ساعت از شب گذشته در تحت

مجلس تقریباً نیم ساعت از شب گذشته در تحت

مجلس تقریباً نیم ساعت از شب گذشته در تحت

مجلس تقریباً نیم ساعت از شب گذشته در تحت

مجلس تقریباً نیم ساعت از شب گذشته در تحت

مجلس تقریباً نیم ساعت از شب گذشته در تحت

مجلس تقریباً نیم ساعت از شب گذشته در تحت

مجلس تقریباً نیم ساعت از شب گذشته در تحت

دارند قطع دارند و بنده هم قطع و یقین دارم که انشاءالله تعالی موفقیت کامل در امور برای ایشان و کابینه ایشان فراهم شود

رئیس الوزراء - امیدوارم مبعوضان که فرمودند باشد و انشاءالله در همین چند روزه یعنی در ظرف یک هفته هیئت وزرا را بپسند آوری معرفی نمایند

رئیس - گمان میکنم مجلس را اگر مخالفی نباشد ختم کنیم و فردا زودتر یعنی چهار ساعت قبل از ظهر حاضر شویم و در لایحه که بپسند آوری مذاکره شود

مجلس یکساعت از شب گذشته ختم شد

جلسه ۲۹
صورت مشروح مجلس روز سه شنبه دوازدهم شهر جمادی الثانی ۱۳۳۳

مجلس تقریباً نیمساعت قبل از غروب در نعت ریاست آقای مؤمن الملک تشکیل و صورت مجلس روز یکشنبه دهم و دو شنبه یازدهم قرائت و تصویب شد

غائبین بدون اجازه - آقای حاج امام جمعه آقای حاج سید اسدالله قزوینی - حاج میرزا شمس الدین

غائب با اجازه: دکتر لقمان

رئیس - در صورت مجلس ایرادی هست یا نیست (اطهاری نشد) مخالفی نیست صورتجلسه تصویب شد - چنانچه آقای رئیس الوزراء در شب اشاره فرمودند لایحه راجع باسکناس که غیبی فوریت دارد پیشنهاد مجلس شده است در شب آن لایحه رسید و کمیسیونها دائر و مدنی مذاکرات شد امروز صبح هم بنشیند جلسه داشته باشیم ولی چون امروز صبح ممکن نشد جلسه دائر شود و مذاکراتی که لازم در آن باب شده است و آن لایحه حاضر شده هر چند آقایان از مداولات مسبوق هستند ولی مجدداً قرائت میشود و چون آقای رئیس الوزراء فوریتش را تقاضا کرده اند باید فوریتش رای بگیریم

(لایحه مزبور بمضمون ذیل قرائت شد)

۱ - برای رفع اشکالات بران امور سرانگیختگی که بواسطه مسدود بودن راههای اروپا و کمی ورود نقره از تبدیل بلیطهای بانک شاهنشاهی حاصل شده است و برای حفظ تعادل و تناسب جریان مسکوک نقره در معاملات بانک شاهنشاهی ایران مکلف است که از هشتم برج نور ۱۳۳۳ الی شصت روز متوالی در مقابل بلیطهای خود روزی فقط ده هزار تومان مسکوک نقره ایران تأدیه نماید

۲ - علاوه بر مبلغ ده هزار تومان مسکوک نقره در موقعیکه بپردازم پول اسکناس میدهد و در موقعیکه مردم اسکناس را برای مبادله میبرند بکنومان آنرا بپسکوک تأدیه کنند

۳ - در کابینه معاملات دولتی و مملکتی کما فی السابق بلیط بانک رواج خواهد بود

۴ - بمذاکره انقضای شصت روز مذکور و در ادامه این قانون از درجه اعتبار ساقط است

۵ - این قانون فقط شامل پایتخت است

۶ - وزارت داخله مأمور اجرای این قانون است

رئیس - این لایحه بک مدتی لازم دارد و آقا سردار معظم که مبعوضان فواید مبالغه شده هستند و در این کمیسیون هم که این مطلب طرح شده است بودند و از مطلب مسبوق هستند خوبت بیایند دفاع کنند قبلاً باید خاطر آقایان را مسبقاً کنم که قبل از اینکه بیایم بپسند بک مراسم از طرف سفارت انگلیس با آقای رئیس الوزراء نوشته شده بود بنده ارائه دادند در آن مراسم دولت انگلیس اسکناس های بانک شاهنشاهی را ضمانت میکند یعنی در صورتیکه بعد از دو ماهی که فرجه داده شده است وجه این اسکناسها پرداخته نشود و پسکوک نقره تبدیل نشود دولت انگلیس ضمانت میکند که قیمت آنها را بیول نقره یا طلا تأدیه کند محض اطلاع آقایان عرض کردم حالا باید فوریت لایحه رای بگیریم

ناصر الاسلام - آقای حاج امیر نظام در فوریت مخالفی دارید

حاج امیر نظام - مخالفی ندارم و فوریت را لازم میدانم

رئیس - مخالفی نیست پس آقایان فوریت این لایحه را تصویب می کنند قیام نمایند (عده کثیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد - حالا باید رای بگیریم که در خود مجلس باید رسیدگی شود یا بکمیسیون رجوع شود (حمی گفتند در مجلس)

رئیس - پس آقایان که تصویب میکنند در مجلس رسیدگی شود قیام نمایند (غالباً قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد - آقایان اگر در کلیات ایرادی دارند بفرمایند (اطهاری نشد)

رئیس - در کلیات مخالفی نیست که داخل در مذاکره مؤید بشویم آقایان تصویب میکنند داخل در مواد شویم قیام نمایند (اعتراف نمایند گمان قیام کردند)

رئیس - تصویب شد - ماده اول قرائت میشود (مجدداً قرائت شد)

رئیس - آقای ناصر الاسلام مخالف هستند؟

ناصر الاسلام - توضیحی میخواهم - اینکه در ماده اول نوشته شده روزی ده هزار تومان تأدیه خواهند کرد میخواهم بدانیم ترتیب تأدیه این ده هزار تومان چگونه خواهد بود آقای رئیس الوزراء ترتیبی در نظر گرفته اند که چهار اشکال نشوند و برای اشخاصی هم که مس خواهند اسکناس را تبدیل بیول نمایند اشکالی پیش نیاید

سردار معظم - این مسئله سابقاً مذاکره شده است و اگر ملاحظه فرمایند در ماده ۶ اجراء این قانون بوزارت داخله معلوم شده است و مقصود از نوشتن ماده ششم همین بود و نظر باینکه آقای رئیس الوزراء فوریت این لایحه را تقاضا کردند ممکن نبود باین زودی در این باب مطالبات زیادی بشود باین جهت جهت اجرای ترتیب آن به وزارت داخله واگذار و البته خود آقای رئیس الوزراء ملاحظاتی لازم را در این باب خواهند فرمود که اشکالی پیش نیاید

رئیس - آقای حاج معین التجار مخالفید؟

حاج معین التجار - خیر موافق هستم ولی توضیح میخواهم

رئیس - توضیح میخواهم یا میخواستید توضیح بدهید

حاج معین التجار - میخواستم توضیح بدهم

رئیس - پس موافقید - مخالفی نیست - رای میگیریم - آقایان بک ماده اول را تصویب بفرمایند قیام نمایند (عده کثیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد - ماده دوم قرائت می شود

(ثانیاً قرائت شد)

رئیس در ماده دوم ایراداتی هست یا نیست

میرزا اقسام خان - بنده می خواستم عرض کنم که این یک تومان هم در جزء ده هزار تومان است یا علاوه بر آن ده هزار تومان است

سردار معظم - عبارت را اگر ملاحظه بفرمایند واضح است میگوید (علاوه بر مبلغ ده هزار تومان) این یک تومان علاوه بر آن ده هزار تومان است یعنی هر کس بک اسکناس میبرد خورد کند یک تومان از آنرا پول نقره باو میدهند و بقیه را اسکناس

رئیس - دیگر در ماده دوم مخالفی نیست - آقایان تصویب میکنند قیام نمایند

(اغلب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد - ماده سوم قرائت می شود

مجدداً بمضمون ذیل قرائت شد

رئیس - در اینجهام گویا مخالفی نباشد - آقایان بک ماده سوم را تصویب مینمایند قیام نمایند (اغلب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد - ماده چهارم قرائت میشود

(بمضمون سابق قرائت شد)

رئیس - مخالفی نیست - پس اگر تصویب بفرمایند قیام نمایند

(غالباً قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد - ماده پنجم قرائت می شود

مجدداً قرائت شد

رئیس - در اینجا هم البته مخالفی نیست

مجلس الدوله - بک توضیحی میخواهم باینکه ذکر میشود این قانون شامل پایتخت است میخواهم به بینم در سایر ولایات اگر کسی اسکناس بپسند بانک برود وجه آنرا کفایتی سابق تأدیه می کنند یا خیر

مخبر - معلوم است فقط این یک استمالی برای مرکز در سایر ولایات کفایتی سابق است

رئیس - آقای حاج امیر نظام مخالفید؟

حاج امیر نظام - میخواستم همین توضیح را بخواهم ولی قانع شده

رئیس - پس دیگر مخالفی نیست - آقایان که تصویب میکنند قیام نمایند

(عده کثیری قیام کردند)

رئیس - تصویب شد - ماده ششم قرائت می شود

(بمضمون فوق قرائت شد)

رئیس - مخالفی نیست - آقایان بک ماده ۶ را تصویب می کنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد - حالا در کلیات این قانون اگر مخالفی هست بفرمایند

حاج شیخ اسد مهمل - می خواستم عرض کنم این عبارت را که در صدر این لایحه نوشته شده که مکلف است ...

رئیس - این اظهار راجع بکلیات نیست راجع بماده اول است در اینجا باید فرموده باشد

مؤید الاسلام - ترتیب تأدیه ده هزار تومان را مقرر بفرمایند از فردا بدینند

رئیس - عرض کرده مذاکره در کلیات است پس معلومی شود در کلیات مخالفی نیست آقایان که این لایحه را بطور کلی تصویب می کنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد چون دیروز و امروز آقایان خیلی زحمت کشیده و کار کرده اند خوبت جلسه را ختم کنیم و جلسه را بگذاریم برای روز شنبه (جمعی گفتند پنجشنبه مقرر فرمایند)

رئیس - پس رأی می گیریم آقایان که تصویب می کنند جلسه روز پنجشنبه باشد قیام نمایند (عده کثیری قیام نمودند)

رئیس - اکثریت است پس جلسه روز پنجشنبه ۳ ساعت بغروب مانده و موضوع مذاکرات قانون تشکیلات مالبه خواهد بود

(مجلس تقریباً مقارن غروب ختم شد)

جلسه ۳۰
صورت مشروح جلسه روز پنجشنبه چهاردهم جمادی الثانی ۱۳۳۳

جلسه دو ساعت قبل از غروب در نعت ریاست آقای مودب السلطنه نایب رئیس تشکیل و صورت مجلس روز سه شنبه دوازدهم قرائت گردید

غائبین بدون اجازه - آقای حاج امام جمعه حاج میرزا شمس الدین - حاج سید اسدالله قزوینی ملک الشرا

غائب با اجازه - آقای حاج عزالملك

نایب رئیس - در صورت مجلس مخالفی نیست؟

مدرس - در مقدمه آقای رئیس بک نصیحت نسبت بر سر سفارت انگلیس فرمودند قیام داشت که در اینجا نوشته شده باشد نوشته نشده بود

نایب رئیس - اصلاح میشود

مدرس - این فایده ندارد باید درست و بقاعده مشروحاً بنویسند و قرائت شود

نایب رئیس - اصلاح می شود در جلسه ثانی قرائت میشود - در جلسه قبل فقره چهارم از ماده یازدهم قانون تشکیلات مالبه مطرح مذاکره بود و مذاکرات کافی بود و آقای حاج شیخ اسدالله پیشنهادی کرده بودند که جزئی اختلاف با پیشنهاد کمیسیون دارد هر دو قرائت میشود و مذاکره می کنیم

(فقره چهارم از ماده یازدهم بمضمون ذیل قرائت شد)

۱ - دهن صورت کل عایدات مأخوذه به اداره محاسبات کل

نایب رئیس - پیشنهاد آقای حاج شیخ اسدالله (باین مضمون قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم که فقره پنجم که چهارم شده این قسم نوشته شود (دادن صورت کلی عایدات مأخوذه به ادارات مربوط در آخر هر برج)

مخبر - بنده چون مقصود آنرا را نفهمیدم خوبت توضیح بدهند تا ملتفت بشوم

حاج شیخ اسدالله - در آن جلسه آقای مخبر تشریف نداشتند و آقای مدعی الدوله دفاع میکردند حالا محض اطلاع آقای مخبر عرض میکنم اگر پیشنهاد را قبول کردند که رجوع بکمیسیون میشود و اگر قبول نکردند در روز پنجشنبه خود برایش میگیریم بنده در این پیشنهاد نظر داشتم یکی آنکه در آخر هر برج باید صورت اداره محاسبات بدیندیگر علاوه بر آنچه ذکر شده است صورتی هم باید در آخر هر برج بکمیسیون تطبیق حوالجات بدینند برای اینکه کمیسیون تطبیق حوالجات مسجون از موجودی مدقق باشد تا در موقع تطبیق حوالجات نظریات موجودی داشته باشند که حوالجاتی که بدیندیگر روی بصیرت و اطلاع باشد تا آن حوالجات زیادتر ازوجه موجودی در خزانه نباشد خلاصه اش اینست حالا اگر قبول بفرمایند راجع بکمیسیون بشود و اگر قبول نمیکند بنده پیشنهاد خود را پس میگیرم اهمیتی ندارد

مخبر - اصل مطلب صحیح است ولی ممکن است پیشنهادشان رایس بگیرند در ضمن وظایف کمیسیون تطبیق حوالجات نوشته شود

نایب رئیس - ماده دوازدهم - اداره محاسبات کل قرائت میشود

(جزء اول از ماده دوازدهم بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده دوازدهم - اصول و وظائف اداره محاسبات کل مالبه شرح ذیل است:

۱ - مرکزیت دادن و نگاهداری کلیه محاسبات مملکت اعم از عایدات و مخارج

نایب رئیس - در جزء اول ماده دوازدهم مخالفی هست؟ (اطهاری نشد) جزء دوم قرائت میشود

(بمضمون ذیل قرائت شد)

۲ - تهیه و تنظیم بودجه کل سالانه برای تقدیم بمجلس

نایب رئیس - در جزء دوم مخالفی هست؟ (جزء سوم بمضمون ذیل قرائت شد)

۳ - تهیه لایحه تقریح بودجه برای تقدیم بمجلس

نایب رئیس - در جزء سوم مخالفی هست؟ (گفته شد خیر) مخالفی نیست جزء چهارم خوانده میشود

(بمضمون ذیل قرائت شد)

۴ - تهیه راپورت سالانه از اوضاع مالبه با تقریح اصلاحات و تکمیلات لازم برای تقدیم بمجلس

نایب رئیس - در جزء چهارم مخالفی هست؟

۱ - آقای میرزا عیسی خان مخالف هستند؟

قای میرزا عیسی خان - بنده در جزء دوم مخالف بودم

نایب رئیس - بنده شوال کردم در جزء دوم مخالفی هست اظهاری نکردید - در جزء چهارم مخالفی هست؟

میرزا عیسی خان - در جزء چهارم کنوشته تهیه راپورت سالانه از اوضاع مالبه تصور می کنم این مسئله از وظائف خزانه داری کل باشد برای اینکه در اداره محاسبات کل مالبه بک صورت مخارج و بک صورت عایدات میرود و باید او تهیه بودجه را بکند اینکه راپورت از اوضاع مالبه و اصلاحاتی که لازم هست بدینند از وظائف خزانه داری است زیرا که امنای مالبه از طرف خزانه داری هستند و باید خزانه داری راپورت اوضاع مالبه را بدیند

مجلس الدوله - مقصود از این ماده اینست بود که از اوضاع و امور مالبه اشکالاتی که پیش آمده اداره محاسبات راپورتی بنویسد و اینطور که آقای میرزا عیسی خان گمان کرده اند نیست و خزانه داری نمیتواند این راپورت را تهیه کند زیرا خزانه دار محاسباتی که باو میرسد و اطلاعاتی که دارد از کلیه عایدات مأخوذه است و پس دیگر مقدار عایداتی را که لاوصول میباشد یا تخفیف داده میشود و علت اینکه لاوصول مانده چه بوده اینها را خزانه داری نمیتواند تشخیص بدیند در صورتیکه اداره کل تشخیص عایداتی که داریم و ضمیمه اش جز تشخیص جمع است و موظف است ببیند کدام مالبها وصول شده است و علت عدم وصولش چه چیز است و چه اشکالاتی پیش آمده است از آن اشکالات اداره محاسبات کل را اطلاع خواهد داد و علاوه بر اداره محاسبات کل در صورت محاسبه میرود بک صورت عایدات و بک صورت مخارج و عایداتی که مادر اینها بکمیون که از وظائف خزانه داری است راجع بوجود و عایدات است که در مملکت اخذ میشود در آخر ماده ماباید که از آن عایدات هم بک صورتی با اداره محاسبات می آید پس اداره محاسبات بگوید میتواند مطلع شود که چقدر جمع کل مملکت بود و چقدر وصول شده است و چقدر وصول نشده است و علت چه بوده است که وصول نشده است و همینطور در نوع خرج دارد یکی مخارجی که امر میشود بپردازند و باید مطابق بودجه بپردازند و بک نظری نظر بسوالاتی که دارد فلان خرج را صلاح میدانند پرداخته شود یا محل و موقع ندارد مثلاً برای سوخت فلان اداره هزار تومان معین شده است فلان وزیر ببیند هشتصد تومان بیشتر خرج ندارد هشتصد تومان اجازه میدهد پس تومانش میان آنرا هم اداره محاسبات میفهمد پس اگر دقت کنیم ببینیم اداره محاسبات کل است که بگوید میتواند از اوضاع مالبه بک اطلاع کاملی پیدا کند چنانچه گفته شد در عایدات میفهمد چقدر وصول شده است و چقدر تخفیف داده شده است و این تخفیف چه مقدار بوده است و چقدر استحقاق است و چه اشکالاتی پیش آمده است و چقدر بودجه چقدر بوده و چه مقدار مصرف شده و خرج کرده اند پس در اینصورت عقیده بنده اینست است باین ترتیب که تصویب خواهند فرمود که تهیه این راپورت از وظایف مخصوصه اداره محاسبات کل است و اداره خزانه داری نمیتواند این کار را بکند

نایب رئیس - آقای ناصر الاسلام موافقید؟